

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام / شماره ۲۱۴

پاسخ‌های فقهی

مسائل متفرقه، جلد پنجم

پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم

سید واثق الحسینی

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های فقهی (مسائل متفرقه، جلد پنجم)
نام کتاب اصلی	الأجوبة الفقهية (مسائل متفرقه، ج ۵)
نویسنده	احمد الحسن <small>علیه السلام</small>
گردآوری و تنظیم	سید واثق الحسینی
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۳۹۹
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۴۱ق / ۲۰۲۰م
کد کتاب	۲۱۴/۱
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام

به تارنماهای زیر مراجعه کنید .

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.co/ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

۹.....	شعائر حسینی
۱۲.....	طهارت
۱۵.....	نماز
۱۹.....	روزه
۲۲.....	خمس و زکات
۲۵.....	حج
۳۲.....	ازدواج و زندگی زناشویی
۳۶.....	تربیت فرزند
۳۸.....	مسائل مربوط به زنان
۴۳.....	ارث
۴۵.....	پزشکی و درمان
۴۸.....	خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها
۵۰.....	شکار و تذکیه
۵۳.....	پرورش حیوانات
۵۳.....	دادوستد طبق قوانین قراردادی
۵۹.....	رفتار با غیرمؤمنان به [دعوت] حق
۶۱.....	احکام مربوط به تجارت و معاملات
۶۷.....	احکام مربوط به سنت‌های عشایر و دیه‌ها
۷۴.....	شنیدن غنا و آلات موسیقی
۷۶.....	نصیحت‌های عمومی
۷۸.....	مسائل متفرقه
۸۶.....	گفت‌وگو در خصوص احکام ربا درباره‌ی وام‌ها و معاملات

پاسخ‌های فقهی

(مسائل متفرقه، جلد پنجم)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و سلام و صلوات تامّ خداوند بر محمد و آل محمد، امامان و مهدیون باد!

از حارث بن مغیره نصری روایت شده است: به ابو عبدالله علیه السلام عرض کردم: امام قائم علیه السلام با چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: «با سکینه و وقار.» عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: «او را با حلال و حرام می‌شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد اوست.» گفتم: آیا او جز وصی فرزند وصی است؟ فرمود: «جز این نیست که او وصی، و فرزند وصی است.»^۱

در پرتو این روش آشکار و روشن الهی برای شناختن امام قائم علیه السلام، این کتاب را که شامل ۱۹۹ پرسش در زمینه احکام فقهی مختلف است که به طور معمول بیشتر مردم به آنها مبتلا هستند به شما برادران گرامی ام تقدیم می‌کنم؛ پرسش‌هایی که به یمانی وعده داده شده سید احمد الحسن علیه السلام ارائه شده و ایشان علیه السلام پاسخ فرموده‌اند. همچنین گفت‌وگوی مربوط به «احکام ربا در خصوص وام‌ها و معاملات» را نیز به آن‌ها ضمیمه کردم. به جهت بهره‌مندی بیشتر اقدام به گردآوری، موضوع‌بندی و مرتب‌سازی این پرسش‌ها در این مجلد نمودم و در گردآوری برخی از این موضوعات، شیخ غسان محمدی (خداوند به او توفیق عطا فرماید) نیز بنده را یاری داد و برای وضوح و دسته‌بندی بهتر، تغییرات اندکی روی این پرسش‌ها انجام دادم.

از خداوند مسئلت دارم که آقا و سیدم قائم آل محمد علیه السلام را در زمینش، در آینده‌ای نزدیک تمکین عطا فرماید و به وسیله او زمین را پس از اینکه توسط حاکمان جور و ستم و علمای بی‌عمل و پیروانشان از ظلم و فساد آکنده شده است، سرشار از عدل و داد نماید،

از تقصیر و کوتاهی ما در حق ایشان علیهم‌السلام درگذرد و ما را در زمره تسلیم‌شدگان به او قرار دهد؛ در زمره کسانی که تنها از سخنان او برمی‌گیرند، در راستای خواست و اراده او عمل می‌کنند و در دنیا و آخرت با کرامت او رستگار می‌شوند.

از خداوند مسئلت داریم که این اندک عمل را بپذیرد، آن را خالص، و مرا از آن بهره‌مند گرداند، در آن روزی که نه مال سودی می‌رساند و نه فرزند، مگر آن کسی که با قلبی سلیم به پیشگاه الهی وارد شود.

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.

سید واثق الحسینی

۲۹ شوال ۱۴۴۱ق / ۱ تیر ۱۳۹۹ش

شعائر حسینی

برای اینکه انسان بر عملکرد خودش بصیرتی پیدا کند، مایلیم موضع‌گیری شرعی را در خصوص بعضی از شعائر حسینی روشن کنیم؛ چه آن‌هایی که از قبل شناخته شده‌اند و چه آن‌هایی که در همین دوران اخیر پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند؛ از جمله:

پرسش ۱ / مالیدن گل بر سروصورت یا فرورفتن در گل؟

پرسش ۲ / راهرفتن روی آتش، و نمازخواندن روی آن؟

پرسش ۳ / راهرفتن روی خار یا خوابیدن یا غلتیدن روی آن؟

پرسش ۴ / عده‌ای روی لباس‌های خود کلماتی مثل «سگ رقیه» و نظایر آن را می‌نویسند؟

پرسش ۵ / کاشتن قفل روی پشت یا بازو یا اعضای دیگر بدن؟

پرسش ۶ / راهرفتن روی چهار دست‌وپا، یا خزیدن در هیئت‌ها یا هنگام زیارت امام حسین علیه السلام؟

پاسخ پرسش‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶:

از این موضوعات پرهیز کنید؛ خدا رحمتتان کند!

پرسش ۷ / زنجیرزدن با شدت به پشت و سینه؟

پاسخ: جایز است؛ البته تا وقتی که باعث آسیب قابل توجهی نشود.

پرسش ۸ / تعطیل کردن مشاغل از هفتم تا دهم محرم و طبل‌زدن؟

پاسخ: جایز است.

۱۰..... پاسخ‌های فقهی، جلد پنجم

پرسش ۹/ شب هشتم محرم به حضرت قاسم بن حسن علیه السلام اختصاص دارد و به بهانه عروسی قاسم شمع روشن می‌کنند، حنا می‌زنند، حلوا درست می‌کنند و... آیا با وجود اندوه مصیبت عاشورا چنین اعمالی جایز است؟ و آیا مسئله عروسی قاسم و عقد وی با همتایش سکینه صحیح است؟

پاسخ: اشکالی ندارد، اگر منظور از این اعمال و کارهای نمادین، عزاداری برای قاسم بن حسن علیه السلام و یادآوری مصیبت کربلا باشد.

پرسش ۱۰/ در شهر طوبریح نزدیکی کربلا، بعد از ظهر روز عاشورا معمولاً دسته عزاداری به راه می‌افتد و به سرعت می‌دوند، و عده‌ای مشایعت‌کننده نیز ادعا می‌کنند که امام مهدی علیه السلام را دیده‌اند که در میان آن‌ها می‌دود؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

پرسش ۱۱/ گفته می‌شود بعضی از زنان در قمه‌زنی شرکت می‌کنند و دیده شده است که به بهانه زنده کردن شعائر و هم‌دردی با زنان و دختران کربلا، موهای آن‌ها در برابر مردان آشکار می‌شود؟ و عده‌ای نیز چه بسا این عمل خود را با عبارت وارد شده در زیارت ناحیه مقدسه توجیه و به آن مزین می‌کنند: «بَرَزْنَ مِنَ الْخُدُورِ لِلشُّعُورِ نَاشِرَاتٍ وَ لِلْخُدُودِ لَاطِمَاتٍ وَ لِلوُجُوهِ سَافِرَاتٍ...» «از پشت پرده‌ها بیرون آمدند، در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و به صورت می‌زدند و با صدای بلند نوحه می‌کردند...»

پاسخ: زن جایز نیست موی خودش را در برابر مرد بیگانه (نامحرم) آشکار کند، و آوردن دلیل گفته شده نیز صحیح نیست؛ حتی با وجود اعتقاد آن‌ها به اینکه منظور از عبارات این زیارت (ناحیه مقدسه) بیرون رفتن بعضی از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده باشد، در حالی که سرها و موهایشان آشکار شده؛ زیرا اگر آن‌ها با چنین وضعیتی خارج شده‌اند، دشمنان بعد از حمله و زدن به خیمه‌ها و به آتش کشیدنشان آن‌ها را مجبور کرده بودند؛ پس آن‌ها این چنین خارج شدنی را با میل و اختیار خود انتخاب نکرده بودند و در نتیجه

مرتکب هیچ معصیتی نشده‌اند؛ در حالی که زنی که آزادانه، با اراده و اختیار خودش موهایش را آشکار کند و حجابش را بردارد معصیت خداوند سبحان را کرده و این عذر و بهانه که وی می‌خواسته است [با این کار خودش] اطاعت و عبادت کند سودی به حالش نخواهد داشت. خداوند سبحان برتر از آن است که با معصیت عبادت شود.

پرسش ۱۱۲ / در زیارت‌های مخصوص، آیا ما باید حتماً در آن روز مشخص امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ و اگر با پیاده‌روی یا با یک وسیله نقلیه، قبل از آن روز به‌خصوص به حرم شریف برسیم، آیا آن زیارت به‌خصوص -چه زیارت اربعین بوده باشد و چه شعبانیه- برایمان محاسبه می‌شود؟ یا فقط به‌طور کلی یک زیارت محسوب می‌شود؟

پاسخ: اگر نیت وی آن زیارت به‌خصوص بوده باشد تقدّم یا تأخر اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ البته اگر علتی منطقی برای این تقدم یا تأخر وجود داشته باشد؛ مثل ازدحام شدید یا وجود شرایطی خاص یا مسائلی از این دست.

پرسش ۱۱۳ / زنی که می‌خواهد زیارت اربعین را بخواند، آیا بهتر است پیاده به زیارت برود یا در خانه‌اش زیارت کند؟

پاسخ: بستگی دارد به شرایط و وضعیتی که وی در آن قرار دارد؛ هر دو جایز هستند، و اینکه کدام بهتر است به وضعیت انسان و شرایطش بازمی‌گردد.

طهارت

پرسش ۱۱۴ / یکی از مخالفان با قصد اشکال‌گیری از علم سید احمد الحسن علیه السلام پرسش زیر را برای بنده مطرح کرد:

او گفته است: امام شما در کتاب شرایع الاسلام، صفحه ۱۰ گفته است: «آب چاه در برخورد با نجاست نجس می‌شود... و برای پاک کردن آن باید از چاه با توجه به چیزی که در آن افتاده است- آب بکشند... و برای مردار عقرب و مار و سمندر (مارمولک بزرگ) بین ۳۰ تا ۷۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار، آب از چاه کشیده می‌شود»؛ و این یعنی مارمولک نجس است؛ اما در جای دیگر کتاب شرایع، صفحه ۳۴ آنجا که تعداد نجاسات را بیان می‌کند گفته است: «... و مارمولک، همه پاک هستند، و اما آب قلیلی که موش یا موش صحرايي یا مارمولک در آن افتاده باشد و آب قلیلی که مارمولک یا عقرب یا مار در آن مرده باشد، برای خوردن و طهارت استفاده نمی‌شود.»

عقرب و مار و مارمولک خون جهنده ندارند و این روشن و واضح است، و اگر داخل آب چاه بمیرند آن را نجس نمی‌کنند، زیرا آن‌ها نجس نیستند؛ پس چطور حکم به وجوب کشیدن آب چاه داده می‌شود در حالی که پاک است؟ این یک تناقض آشکار است!

آقای من، از شما خواهش می‌کنم پاسخ بفرمایید تا این اشکال رفع شود.

پاسخ: کشیدن آب از چاه به دلیل وجود عقرب و مار و مارمولک، به دلیل نجس بودن آن‌ها نیست. بنده نمی‌گویم این‌ها نجس هستند و به همین علت است که آب از چاه کشیده می‌شود؛ حتی وقتی نجاسات را بیان می‌کردم، حکم به نجس نبودن آن‌ها داده‌ام؛ همچنین بیان کردم آبی را که این‌ها در آن بمیرند نمی‌توان برای نوشیدن یا طهارت استفاده کرد؛ به همین علت در مطالب پیشین بیان کردم که از چاه آب کشیده می‌شود. حکم کشیدن آب در این مسئله، ضرری به حکم کشیدن آب از چاهی که نجس شده

است نمی‌رساند؛ همان طور که مخاطب قراردادن ابلیس با وجود اینکه از اجنه بوده است. با عنوان کلی «ملائکه» - که بیشتر حاضران را شامل می‌شده است؛ یعنی بیشتر حاضران ملائکه بوده‌اند- ضرری وارد نمی‌کند. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى...﴾ (و آن هنگام که به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید، پس همه سجده کردند مگر ابلیس که سرپیچی کرد...). همان طور که مشاهده می‌کنی اگر اشکال وارد کردن آن هم به این شکل ساده لوحانه و سفیهانه بر آنچه در کتاب شرایع نوشته‌ام صحیح بود، وارد کردن این اشکال بر قرآن قطعاً درست‌تر و صحیح‌تر می‌بود... و بنده چیزی نمی‌گویم جز اینکه خداوند زشت گرداند عقل‌های کج‌فهم چنین افرادی که گفتار حق را هیچ نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند.

پرسش ۱۵ / آیا جایز است شخص جُنُب و زن حائض وارد حسینیه‌ها و ضریح اهل بیت شوند؟

پاسخ: اگر حسینیه‌ها برای اقامه نماز بنا شده‌اند، پس حکم آن‌ها همانند حکم مسجد است، و در این صورت جایز نیست شخص جُنُب و حائض و مشابه این‌ها، در این مکان‌ها بنشینند، مگر برای گوش دادن به مصیبت حسین علیه السلام یا گوش دادن به مجلس عزاداری معصومین علیهم السلام و هنگامی که مجلس به پایان می‌رسد باید آن مجلس را ترک کند.

نشستن یا ماندن شخص جُنُب و حائض و مشابه این‌ها، در مساجد اگر برای گوش دادن به مصیبت حسین علیه السلام یا گوش دادن به مجلس عزاداری معصومین علیهم السلام باشد جایز است، ولی بعد از اتمام مجلس عزاداری آنجا را ترک می‌کند.

اما در خصوص ضریح‌های ائمه علیهم السلام، حکم مساحتی که بنای ابتدایی اطراف ضریح را احاطه کرده است همانند حکم مسجد است، به شرطی که از مسافت ۲۵ متر اطراف ضریح بیشتر نشود.

یعنی حضور شخص جنب و حائض و مشابه این دو، در مجلسی که برای زنده نگه داشتن ذکر و یاد معصومین علیهم‌السلام بنا شده، بلامانع است چه در مسجد بوده باشد، چه در حسینیه و چه در ضریح معصوم علیهم‌السلام و این حکم، مولودی خوانی و مشابه آن را نیز شامل می‌شود و فقط مخصوص مجالس وفات نیست.

اگر هدف از بنای حسینیه، برگزاری مجالس إطعام، اقامه مجالس عزاداری، ذکر، و خوابیدن و خدمات مشابه دیگر بوده باشد و برای اقامه نماز به صورت نظام‌مند (همیشگی) نبوده باشد یا زیاد برای این کار استفاده نشود، حکم خانه را خواهد داشت و احکام مسجد بر آن جاری نیست.

نماز

پرسش ۱۱۶ / برای کودکانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند سخت است که در هر نماز، اذان و اقامه بگویند؛ به طوری که این کار برایشان سنگین می‌شود، و چندین و چند بار اذان و اقامه را تکرار می‌کنند و این مسئله هر روز تکرار می‌شود تا آنجا که باعث گریه این بچه‌های تازه بالغ‌شده یا بیزاری آن‌ها می‌شود. آیا اذان و اقامه بر آن‌ها واجب است؟

پاسخ: اذان و اقامه را به طور صحیح به آن‌ها یاد بدهید و شما وقت کافی برای این کار دارید. همچنین می‌توانید نماز را همراه خانواده به صورت جماعت اقامه کنید. همچنین می‌توانید به اذان کسی که در همان وقت و در همان مکان نماز، اذان می‌گوید اکتفا کنید.

پرسش ۱۱۷ / آقا و سرور من، ای فرزند رسول خدا! من و پناه می‌برم به خدا از منیت- از ساکنان حجاز هستم. به دعوت مبارک شما ایمان آوردم، و قبل از این، هنگامی که وقت فریضه نماز می‌شد به خصوص نماز صبح و نماز مغرب- به جهت تنگی وقت، نماز را سر کار می‌خواندم؛ زیرا نمی‌توانستم نماز را به تأخیر بیندازم تا به خانه برگردم و در خانه نماز را به جا بیاورم، و از باب تقیه نماز را (طبق فتوای مراجع) به جماعت، پشت سر مخالفین ادا می‌کردم. آیا اکنون آقا و مولای من، بعد از ایمان آوردن به دعوت شما و حق شما، آیا برای من جایز است که نماز را به جماعت البته به نیت فرادا و فقط از باب متابعت در حرکات به همراه آن‌ها اقامه کنم؟ و آیا از آنجا که مسجد دیگری وجود ندارد، می‌توانم نماز را در مسجد آن‌ها به جا بیاورم؟ و آیا جایز است روی فرش سجده کنم اگر امکان استفاده از جایگزینی [که بتوان بر آن سجده کرد] نداشته باشم؟

پاسخ: می‌توانی نماز را در مسجد آن‌ها ادا کنی، و اگر ناچار بودی جایز است نمازت

را پشت سر آن‌ها به جماعت با نیت فرادا بخوانی، و می‌توانی برای سجده از یک چیز ساده مثل دستمال کاغذی یا یک تکه کوچک کاغذ استفاده کنی. خداوند در هر کار خیری موقت بگرداند. او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پرسش ۱۸ / در حالتی که انسان میان نماز شکسته و نماز کامل در اماکن چهارگانه مقدسه (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم حسینی) اختیار دارد، پرسش اینجاست که محدوده این اماکنی که انسان در آن‌ها در انتخاب نماز شکسته یا نماز تمام مخیر است، چیست؟

پاسخ: در خصوص مساجد سه‌گانه، انسان در هر جای حرم که باشد حکم اختیار دارد [می‌تواند نمازش را شکسته یا کامل بخواند] ولی درباره حدود حائر^۱، فقط محدوده‌ای به شعاع ۲۵ متر اطراف قبر امام حسین علیه السلام را شامل می‌شود.

پرسش ۱۹ / آیا بر ولی میت واجب است نمازها و روزه‌هایی را که والدینش در طول حیاتشان از روی عمد، یا در حالت جهل و نادانی ترک کرده‌اند، قضا کند؟ و در صورتی که توانایی قضای نماز و روزه آن‌ها یا دادن صدقه به جای آن را نداشته باشد، آیا کاری هست که به نیابت از آن‌ها انجام بدهد؟

پاسخ: قضا بر او واجب است و اگر از قضا کردن و دادن صدقه ناتوان است به‌طور مرتب برای آن‌ها استغفار کند.

پرسش ۲۰ / آیا قضای نماز آیات بر زن حائض هنگام اتفاق افتادن یکی از عوامل وجوب نماز آیات، واجب می‌شود؟ یا حکمش مانند نمازهای دیگر است که قضایشان واجب نیست؟

۱. حائر حسینی محدوده‌ای است مخصوص پیرامون قبر امام حسین علیه السلام که شخص مسافر می‌تواند نمازش را در آن محدوده به‌صورت کامل بخواند نه شکسته. (مترجم)

پاسخ: واجب نیست.

پرسش ۲۱/ کسی که نماز صبحش قضا شده و در یکی از دو خطبه نماز جمعه یادش بیاید، حکمش چیست؟

پاسخ: برمی‌خیزد و در میان خطبه، قضای نمازش را به صورت «إخفات» [با صدای آهسته] می‌خواند و صدایش را بالا نمی‌برد.

پرسش ۲۲/ شخصی در نماز جماعت شرکت کرده و امام جماعت هم یکی از برادران انصار بوده، ولی بین این مأموم و امام، بیش از یک صف به وسیله مخالفین فاصله افتاده است؛ آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ: با وجود این فاصله ذکر شده، نماز مأموم صحیح نیست.

پرسش ۲۳/ آیا جایز است در نماز جمعه زن برای زنان یا وجود فراهم بودن شرایط امام شود؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۲۴/ آیا نماز جمعه بر مکلف کثیرالسفر (کسی که زیاد سفر می‌کند) در رفت و آمد به منطقه‌ای که نماز جمعه در آنجا برگزار می‌شود، واجب می‌شود؟

پاسخ: اگر در حال سفر به جایی رسید و موقع نماز بود، نماز جمعه بر او واجب می‌شود.

پرسش ۲۵/ کسی که در بین خطبه‌های نماز جمعه، به نمازگزاران سلام می‌کند، آیا پاسخ سلامش را باید داد؟ آیا مانند نماز، باید مثل عبارت خودش گفته شود؟ یا به همان صورت متعارف انجام شود (علیکم السلام و رحمة الله و برکاته)؟

پاسخ: درست مثل عبارت خودش پاسخ داده می‌شود.

پرسش ۲۶ / اگر عید غدیر با روز جمعه مصادف شد و شخص مکلف نماز عید را خواند، آیا حضور در نماز جمعه برای وی اختیاری می‌شود؟

به عبارت دیگر آیا حکم عید غدیر هم وقتی با روز جمعه مصادف شود، مثل حکم عید قربان و عید فطر است؛ به همان صورتی که حکم آن در کتاب شرایع الاسلام روشن شده است: «هنگامی که عید با جمعه مصادف شود کسی که در (نماز) عید حاضر می‌شود مخیر به حضور در نماز جمعه می‌شود و باید امام این مسئله را به مأمومین تذکر دهد.»

پاسخ: اگر نماز (عید غدیر) را با تمام شروطش به جماعت بخواند، برای حضور در نماز جمعه مخیر می‌شود.

پرسش ۲۷ / نشستن در خانه‌ای که زمینش غصبی است، اگر شخص، مالکش نباشد، ولی به طور رسمی نگهبانی آنجا را به او سپرده باشند چه حکمی دارد؟ آیا نماز و اعمالش در آنجا صحیح است؟

پاسخ: از عبادت در آنجا پرهیز کند؛ زیرا عبادت در زمین غصبی صحیح نیست.

روزه

پرسش ۲۸ / آقای من، سن دختر خواهرم ۱۰ سال است و روزه بر او واجب است. او ساکن امریکاست و روزها در آنجا طولانی است. او بسیار ضعیف است و توانایی کافی ندارد؛ به حدی که حتی نمی‌تواند صحبت کند. خواهرم به من گفته است که او بسیار خسته و رنجیده می‌شود در حالی که در زمان رشدش قرار دارد. آیا روزه‌اش را کامل بگیرد؟ با توجه به اینکه پدرش با افطارکردنش مخالف است و مادرش حال و روز او را می‌بیند.

پاسخ: به‌طور کلی ان‌شاءالله روزه ضرری به بدن نمی‌رساند. من هم دختری دارم که نُه‌ساله است و بنیه جسمانی قوی هم ندارد، ولی الحمدلله روزه می‌گیرد. به‌طور کلی اگر یقین دارید که روزه برایش ضرر دارد می‌تواند افطار کند و قضایش را در وقت دیگری به‌جا آورد.

پرسش ۲۹ / آقای من یکی از برادران انصارمان در روزهای درگیری‌های خشونت‌بار با داعشی‌ها در موصل بود و در نتیجه گرمای بسیار و شرایط جنگ و درگیری، توانایی کامل کردن روزه‌اش را نداشته و روزه‌اش را افطار کرده است. حکمش چیست؟ و روزه برای انصار مبارز در چنین شرایطی چه حکمی دارد؟

پاسخ: چیزی غیر از قضا بر عهده‌اش نیست؛ و به‌طور کلی کسی که در شرایط کاری سخت و دشوار به سر می‌برد و با وجود آن، روزه‌گرفتن برایش سخت و دشوار می‌شود اشکالی ندارد که افطار کند و بعداً قضایش را به‌جا بیاورد؛ ولی ابتدا باید روزه را امتحان کند و اگر «بینی و بین الله» ببیند که نمی‌تواند روزه را به‌پایان برساند، می‌تواند افطار کند و بعداً قضای روزه را به‌جا آورد؛ و هر انسانی نسبت به خودش و وضعیتش آگاه است، و خود او کسی است که میان خود و خدای خود، درباره توانایی تحملش در شرایط سخت و دشوار

تصمیم می‌گیرد.

پرسش ۳۰ / کسی که بخواهد در روزی که روزه آن واجب است مثل روزه ماه رمضان عمل جراحی کند، آیا جایز است روزه‌اش را قبل از عمل جراحی افطار کند، اگر پزشک از او بخواهد برای آماده‌شدن برای عمل با خوردن دارو و مشابه آن یا چیزی که نهایتاً منجر به افطار می‌شود، افطار کند؟ اگر این عمل جراحی ضروری نباشد یا امکان عقب‌انداختن آن تا بعد از ماه رمضان یا بعد از روزی که روزه‌اش واجب است، وجود داشته باشد مثل عمل زیبایی و عمل دندان- آیا جایز است این عمل را در ماه رمضان انجام دهد، حتی اگر مجبور به یک یا چند روز افطار کردن قبل از انجام عمل جراحی بشود؟

پاسخ: می‌تواند هر عمل جراحی مباحی را در ماه رمضان یا هر روزی که روزه‌اش بر او واجب است انجام دهد، اگر ضروری بوده باشد یا امکان به تأخیر انداختنش وجود نداشته باشد و می‌تواند روزه‌اش را قبل از عمل جراحی افطار کند، اگر پزشک قبل از عمل از او چنین درخواستی داشته باشد؛ مثل مصرف دارویی به خصوص قبل از عمل جراحی.

اما اگر بعد از عمل، پزشک از او بخواهد برای خوردن دارو یا تسریع در بهبودی یا موضوعات مشابه دیگر افطار کند، جایز است و غیر از قضای روزهایی که افطار کرده چیزی بر عهده‌اش نیست.

همچنین می‌تواند در ماه رمضان و در هر روزی که روزه‌اش بر او واجب است، هر عمل جراحی در بدن و دهان انجام دهد؛ البته اگر یقین نداشته باشد این عمل به افطار روزه‌اش منجر خواهد شد، و اگر چنانچه انجام عمل جراحی را شروع کند یا برای آن آماده شود و پزشک از او بخواهد افطار کند یا دارو مصرف کند، اگر افطار کند اشکالی ندارد، و اگر خود آن عمل جراحی نیز موجب افطار شود، باز هم اشکالی ندارد، و در تمام این حالت‌ها به غیر از قضای روزه‌ها چیز دیگری بر ضمّه‌اش نیست.

اما اگر عمل جراحی ضروری نباشد (چه عمل روی بدن انجام شود و چه در دهان) در

حالی که یقین داشته باشد که این عمل موجب افطار می‌شود، یا یقین داشته باشد که پزشک از او خواهد خواست برای آماده‌شدن برای عمل جراحی، افطار کند، در این صورت در ماه رمضان یا روزی که روزه‌اش برای وی واجب است از آن اجتناب می‌کند.

پرسش ۳۱ / شخص بیماری دائماً در حال معالجه است و با این وجود روزه‌گرفتن برای او امکان‌پذیر است، ولی برای سلامتی او ضرر دارد؛ وظیفه‌اش چیست؟

پاسخ: مادام که روزه برای بیمار ضرر دارد یا بیماری‌اش را تشدید می‌کند یا خطری برای زندگی‌اش دارد [روزه‌اش را] افطار می‌کند.

پرسش ۳۲ / روزه‌ای به نام «روزه روح» وجود دارد و در روایات طاهرین علیه السلام نیز به آن اشاره شده است و [شخص] طبق مضمون آن از خوردن چیزهایی که دارای روح هستند دوری می‌کند. حکم این روزه چیست؟

پاسخ: بنده بشخصه در هر سال در طول ماه ذی‌قعدة و ۹ روز اول ذی‌حجه از خوردن [گوشت] حیوانات و فرآورده‌های آن‌ها پرهیز می‌کنم و به‌علاوه در نُه روز اول ماه ذی‌حجه به این روزه، روزه عادی متعارف را نیز اضافه می‌کنم؛ اما این کار واجب نیست، ولی برای روح انسان و ارتقایش و نیز برای سلامتی بدنش مفید فایده است.

پرسش ۳۳ / حکم نوشتن و گفتن شعر برای اهل‌بیت علیهم السلام در ماه مبارک رمضان چیست؟ آیا می‌توانیم برای اهل‌بیت علیهم السلام شعر بگوییم؟ یا این کار در این ماه بافضیلت، مکروه است؟

پاسخ: نوشتن و سرودن شعر در [ماه] رمضان و ماه‌های دیگر، چه شب و چه روز، اشکالی ندارد.

خمس و زکات

پرسش ۳۴ / اگر شخص مکلفی پنج میلیون داشته باشد و یک میلیون از آن را به‌عنوان خمس بپردازد و چهار میلیون دیگر برایش باقی بماند و در طول سال مبلغ باقی‌مانده (مبلغ چهار میلیون) را به‌عنوان مضاربه به کسی سپرده و در عوض آن وجهی دریافت کرده و از پول دریافتی‌اش مصرف کرده و بر پول اولیه اضافه شده و سر سال خمسی همان چهار میلیون برایش مانده باشد، آیا باید خمس این [چهار میلیون] را پرداخت کند؟

یعنی در نظر گرفتن مبلغ باقی‌مانده از خمس، آیا با استناد به اصل پول انجام می‌شود یا ارزش آن؟

پاسخ: خمس آن واجب نیست.

پرسش ۳۵ / آیا دادن خمس ارث، چه در وقت خودش و چه در سال خمسی مکلف، واجب است؟ و آیا میان ارثی که خمسش داده شده و ارثی که خمسش داده نشده، تفاوتی وجود دارد؟

پاسخ: اگر این ارث جزو اموالی بوده که خمسش داده شده است یک بار دیگر خمسش پرداخت نمی‌شود؛ اما اگر میّت خمس مالش را نداده باشد، هنگام دریافت ارث، باید خمسش داده شود.

پرسش ۳۶ / کسی که سال خمسی‌اش را در مال التجاره‌ای که با آن کار می‌کند فراموش کرده باشد، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر می‌تواند همان وقت تعیین شده را به‌طور احتمالی تخمین بزند بر اساس همان عمل می‌کند، در غیر این صورت وقت جدیدی مشخص کند.

پرسش ۳۷ / شخصی خمس اموال و املاکش را داده، ولی خمس خانه دوش را - که خالی از سکنه است و خمسش واجب بوده - نداده است، و بعد از گذشت مدتی، ایام دشواری و فقر به سراغش آمده و مجبور شده در همان خانه‌ای که خمسش را نداده است زندگی کند در حالی که غیر از آن خانه، خانه دیگری ندارد. حکمش چیست؟ آیا باید خمسش را بدهد یا خیر؟

پاسخ: اگر این تنها خانه‌ای است که دارد خمسش بر او واجب نیست.

پرسش ۳۸ / در شهر ما رسم است که برای بچه‌هایشان قبل از تولد یا قبل از بلوغ، لوازم و اسباب‌بازی و لباس خریداری می‌کنند؛ و این وسایل، مخصوص بچه‌ای است که هنوز به دنیا نیامده یا هنوز به سنّ متعارفی نرسیده است تا بتواند از آن‌ها استفاده کند. آیا خمس آن‌ها واجب است؟

پاسخ: واجب نیست.

پرسش ۳۹ / شخصی سه منزل مسکونی دارد. در یکی از آن‌ها خودش ساکن است، در یکی دیگر برادرانش زندگی می‌کنند، و در سومی برادرانش به همراه مادرش (یعنی مادر مالک) ساکن هستند. خمس کدام‌یک از این سه تا واجب است؟

پاسخ: خانه‌ای که خودش در آن زندگی می‌کند خمس ندارد؛ و اما آن منزلی که برادرانش زندگی می‌کنند خمس دارد؛ و اما سومین خانه که برادرانش به همراه مادرش در آن زندگی می‌کنند هم خمس دارد؛ ولی چون مادر «واجب‌النّفقه» است، از مبلغ خمس، مبلغ اجاره مادرش به مدت یک سال استثنا می‌شود، و نیز می‌تواند خمس آن را طی چند قسط پرداخت کند.

پرسش ۴۰ / بعضی از برادران انصار (که خداوند توفیقشان دهد) می‌پرسند آیا حقوق شرعی، مثل خمس و زکات فطره را می‌توانیم از غیر از مؤمنان به دعوت حق (که ناصبی

نیستند) دریافت کنیم؟

پاسخ: جایز است؛ البته با این شرط که شخص دهنده، یقین داشته باشد که ایمان به خلفای الهی، شرط قبولی اعمال است.

پرسش ۴۱ / در کتاب شرایع‌الاسلام آمده است: «ویژگی‌های مستحقان دریافت زکات: ۱. ایمان: به کافر و نیز به کسی که معتقد به غیر حق باشد چیزی از زکات پرداخت نمی‌شود، مگر کسانی که همان طور که گفته شد تمایل به جهاد دارند. فطریه را تنها در صورت نبودن مؤمن می‌توان به مستضعف داد. زکات به کودکان مؤمنان داده می‌شود و به کودکان غیر آن‌ها داده نمی‌شود. اگر کسی که مخالف عقیده حق بوده باشد و زکاتش را به کسانی داده باشد که هم‌عقیده او بوده‌اند [و سپس به حق گرویده باشد] باید دوباره زکاتش را بپردازد.»

و در اینجا منظور از «دوباره بپردازد» چیست؟ آیا زکاتی را که به مخالفین داده است باید از آن‌ها پس بگیرد؟ یا باید دوباره زکات را به مؤمن مستحق بپردازد؟ و آیا این در صورتی است که زمان کافی [برای پرداخت زکات فطره] باقی مانده باشد، یا در هر زمان بخواهد پرداخت می‌کند؟

پاسخ: اگر زمان باقی مانده باشد یک بار دیگر به مستحق پرداخت کند.

حج

پرسش ۴۲ / مکان‌هایی در عمره و حج، و حرم امام رضا علیه السلام برای اسکان وجود دارند که شرکت‌های محلی، هزینه‌هایشان را به‌طور کامل به‌عنوان وام پرداخت می‌کنند و بعداً به‌صورت اقساطی با سود بازپس می‌گیرند؛ حکمش چیست؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

پرسش ۴۳ / اگر بر ذمه مکلف حقوق شرعی مانند خمس باشد، یا دینی از مردم بر ذمه‌اش باشد، و مبلغ کافی برای حج به او بخشیده شده باشد، آیا او می‌تواند به حج برود و این حج، به‌عنوان حجة الاسلام از او پذیرفته می‌شود؟ یا بر او واجب است حقوقی را که بر ذمه‌اش هست ادا کند و به حج نرود؟

پاسخ: اگر مطمئن است که در آینده می‌تواند دینش را پرداخت کند پولی را که به او بخشیده شده، برای ادای مناسک حج مصرف کند و حشش صحیح است؛ ولی اگر اطمینان به بازپرداخت (دین) نداشته باشد بهتر (عمل با فضیلت‌تر) آن است که از مالی که برایش فراهم شده، ابتدا دینش را پرداخت کند، و کراهت دارد که پرداخت آن را ترک کند.

اما اگر علم و یقین دارد که در آینده توانایی پرداخت دینش را ندارد در صورتی که توانایی پرداخت دین برایش فراهم شده باشد، باید آن را پرداخت کند.

پرسش ۴۴ / برای رفتن به حج آیا جایز است (مکلف) از شهر خودش یا (برگشتن) از عربستان سعودی، غیرقانونی سفر کند؟

پاسخ: اگر در رفتنش [به حج] حقوق مؤمنان را ضایع نکند، رفتن برای او جایز و

حجش صحیح است.

پرسش ۴۵ / آیا مکلف می‌تواند برای بار دوم به حج مستحبی یا نیابتی برود با توجه به اینکه این کار وی بر دیگران تأثیر می‌گذارد؛ زیرا وی یکی از سهمیه‌های در نظر گرفته شده برای کشورش را اشغال می‌کند؟

پاسخ: اگر رفتن وی موجب آسیب‌رساندن به مؤمنان مثل ایجاد مزاحمت برای حج واجب آن‌ها- می‌شود رفتنش جایز نیست؛ ولی اگر برود حجش صحیح است.

پرسش ۴۶ / اگر پدر به پسر بزرگش وصیت کند که به نیابت از او حج به‌جا آورد و این پسر بعد از تمکُن مالی با استفاده از اسم پدرش برای ادای حج به سفر حج برود، آیا حق دارد در این سفر به نیت خودش حج به‌جا آورد و کسی را هم اجیر کند تا به نیابت از پدرش حج به‌جا آورد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

پرسش ۴۷ / در کتاب شرایع گفته شده است که حج تمتع برای کسی که فاصله بین محل سکونتش و مکه ۲۲ کیلومتر باشد واجب است. آیا منظور از مبدأ محاسبه محل سکونت، منزل مکلف است یا انتهای آن شهری است که در آن زندگی می‌کند؟

پاسخ: آخرین ساختمان‌ها و بنای شهری است که در آن زندگی می‌کند.

پرسش ۴۸ / اگر از محل سکونت مکلف تا مکه مکرمه دو راه وجود داشته باشد به‌طوری که یک راه کمتر از ۲۲ کیلومتر و دیگری بیشتر از این مقدار باشد، آیا حج تمتع بر او واجب است یا حج مفرده؟

پاسخ: هر دو صحیح است.

پرسش ۴۹ / کسی که وظیفه‌اش حج مفرده است ولی حج تمتع به‌جا بیاورد، آیا حجش قبول است؟

پاسخ: در کتاب شرایع الاسلام آمده است: «حج افراد و حج قران برای کسی واجب است که فاصله او تا مکه -از هر سو- کمتر از ۲۲ کیلومتر باشد. چنین اشخاصی اگر در حالت اضطرار یا اختیار- نیت خود را به تمتع تبدیل کنند جایز است و لازم نیست قربانی کنند.»

پرسش ۵۰ / در خصوص حجاج داخلی (عربستان سعودی) هر زمان که بخواهند حج به جا آورند برای ورود به مکه دو راه دارند: یک راه قانونی که با اجازه حکومت و با پرداخت مبلغی به دولت است، و راه دیگر اینکه می تواند با لباس دوخته شده وارد حرم شود، بدون اینکه پرسشی از او بپرسند یا متوقفش کنند. آیا کسی که با لباس دوخته وارد حرم می شود باید کفاره بدهد؟

پاسخ: یک گوسفند کفاره دهد.

پرسش ۵۱ / آیا منظور از مکه و مدینه منوره که احکام خاصی بر آنها مترتب است، مکه و مدینه بر اساس محدوده و مرزهای قدیمی است؟ یا توسعه هایی را که اخیراً انجام شده است نیز شامل می شود؟

پاسخ: بر اساس محدوده قدیم است.

پرسش ۵۲ / اگر مکلف برای حج مفرده احرام ببندد و اعمال را تمام کند و تا فرارسیدن ایام حج در مکه بماند، سپس آماده حج تمتع برای خودش یا به نیابت از کسی شود، آیا می تواند برای احرام عمره تمتع از نزدیکترین محل احرام، مُحْرَم شود؟ یا واجب است به یکی از مواقیت برود؟

پاسخ: از نزدیکترین محل، احرام می بندد.

پرسش ۵۳ / من اکنون در مکه در حال ادای عمره مفرده هستم، و می خواهم مجدداً

به نیابت از پدرم حج عمره به‌جا بیاورم؛ آیا صحیح است در هتل غسل کنم و لباس احرام بپوشم و سپس به میقات (مسجد تنعیم) بروم و از آنجا لَبَّیک بگویم و مُحْرِم شوم؟ یا شرط است که غسل کردن و بستن لباس احرام در میقات باشد؟

پاسخ: جایز است در هتل لباس احرام بپوشد و غسل کند، و سپس به میقات برود و برای عمره مُحْرِم شود.

پرسش ۵۴/ آیا مکلف می‌تواند در صورت ازدحام جمعیت، در طبقات بالایی پل‌مانند محیط به خانه خدا طواف کند؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۵۵/ اگر به‌دلیل هل‌دادن و فشار در مکان طواف، طواف بین مقام ابراهیم علیه السلام و کعبه شریفه سخت و دشوار باشد، آیا جایز است پشت مقام طواف کند؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۵۶/ به‌جهت پرهیز از برخورد و تماس با زنان در طول طواف، آیا جایز است برای طواف از طبقات بالا استفاده کرد؟

پاسخ: تماس و برخورد به‌طور معمول فقط با وجود فشار و هل‌دادن شدید اتفاق می‌افتد و با توجه به‌صورت این پرسش، جایز است.

پرسش ۵۷/ یکی از برادران انصار در اثنای طواف، به‌دلیل فشار شدید و هل‌دادن، یکی از شوط‌های طوافش را خارج از مقام ابراهیم علیه السلام انجام داده است؛ چه چیزی بر عهده‌اش است که باید انجام بدهد؟

پاسخ: به‌خاطر طواف در خارج از مقام ابراهیم علیه السلام به‌سبب فشار شدید، چیزی بر عهده‌اش نیست.

پرسش ۵۸/ برای انجام طواف نساء وارد شدیم، ولی به‌دلیل ازدحام و فشار شدید مانع

از طوافمان شدند؛ به همین جهت به طبقه اول رفتیم و طواف را شروع کردیم. بعد از گذراندن شوط اول، دیدیم اطراف کعبه باز شده و فرصتی برای طواف فراهم شده است؛ پس پایین آمدیم و از همان محلی که طواف را شروع کرده بودیم پشت سر هم شوطها را تمام کردیم و طواف را به پایان رساندیم. آیا این طواف صحیح است؟ یا واجب است از اول طواف کنیم؟

پاسخ: طوافش صحیح است و لازم نیست از اول طواف کند.

پرسش ۵۹ / آیا زن در حالی که از بابت عادت ماهانه اش (حیض) نگرانی ندارد، می تواند طواف و سعی را قبل از بیتوته در منا انجام دهد و فقط به دلیل فشار شدید و پرهیز از تماس با مردان به این صورت عمل کند؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۶۰ / در نماز طواف، گاهی اوقات زنان جلوتر از مردان یا در کنارشان می ایستند و به دلیل ازدحام شدید، پیدا کردن جایی که زنان پشت سر مردان بایستند دشوار می شود. حکم نماز در چنین شرایطی چیست؟

پاسخ: با وجود اضطرار، نماز صحیح است.

پرسش ۶۱ / در حالت توقف اضطراری در دو موقف، اگر حکومت ظالم وی را از این کار منع کند، آیا فقط گذر از عرفه و مُزدلفه با ماشین کفایت می کند؟

پاسخ: با وجود اضطرار، همین رفتن برایش کفایت می کند و اگر توانایی توقف نداشته باشد، هرچند به مقدار کمی از وقت مجاز، طبق احکام «عمل به مسدود» عمل می کند که در کتاب شرایط بیان شده است.

پرسش ۶۲ / اگر مکلف به حج برود و نتواند نه به صورت اختیاری در وقت معین و نه

به صورت حالت اضطراری به دو موقف برسد، و نیز به دلیل وجود مانعی در سال آینده نیز نتواند حج به جا آورد، و حتی توانایی اجاره نائبی که به جایش حج به جا آورد را هم نداشته باشد، چه چیزی بر عهده اش است؟

پاسخ: چیزی بر عهده اش نیست؛ حج فقط برای کسی واجب است که شرایط رفتن به حج برایش مهیا باشد؛ و به طور کلی همین رفتنش برای وی کافی خواهد بود؛ چراکه [پذیرش] اعمال فقط بر اساس نیت است.

پرسش ۶۳ / محدوده شرعی مینا کدام است؛ آیا همان (محدوده متعارفی است که در قدیم بوده) یا توسعه امروزی را که حکومت بنا کرده است نیز شامل می شود؟
پاسخ: طبق محدوده قدیم است.

پرسش ۶۴ / گاهی اوقات حاجی نه در مینا و نه در مناطق نزدیک مینا نمی تواند ذبح کند. تکلیف این شخص چیست؟

پاسخ: اگر نمی تواند در مینا یا اطراف آن ذبح کند باید روزه بگیرد، با آن کیفیتی که در کتاب شرایع بیان کرده ام: سه روز را در حج و هفت روز را زمانی که به شهرش برمی گردد روزه بگیرد؛ و اگر روزه هم نمی تواند بگیرد چیزی بر ذمه اش نیست؛ و بهتر آن است که شخصی را در شهر خودش یا در جایی دیگر تکلیف کند تا به نیابتش ذبح کند.

پرسش ۶۵ / بعضی از مؤمنان که در الجزایر در میان مخالفان زندگی می کنند می پرسند آیا می شود به خاطر تقیه و دفع ضرر، ذبح کردن در عید قربان را در روز عرفه انجام بدهیم؟ به این جهت که روز عید (قربان) با معیشت روزانه آن ها مصادف شده است.
پاسخ: جایز است.

پرسش ۶۶ / آیا در صورت ازدحام زیاد، سعی بین صفا و مروه در طبقات بالایی مجاز است؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۶۷ / راهرویی برای سعی بین صفا به صورت طبقه‌ای زیر زمین ساخته شده است. آیا به‌جا آوردن سعی در آن صحیح است؟

پاسخ: اگر سعی در سطح طبیعی [روی زمین] برای وی دشوار است می‌تواند در راهرو مذکور سعی را انجام بدهد.

پرسش ۶۸ / یکی از مؤمنان، با وجود اینکه سعی در طبقه همکف برایش دشوار نبود، سعی بین صفا و مروه را در طبقه زیر زمین انجام داد؛ چه چیزی بر عهده‌اش هست؟

پاسخ: چیزی بر ذمه‌اش نیست.

ازدواج و زندگی زناشویی

پرسش ۶۹ / یکی از مؤمنان تصمیم گرفته است با یکی از خواهران مؤمن ازدواج کند و هر دو نسبت به دیگری رضایت دارند ولی استخاره، بد آمد و به همین دلیل هر دو منصرف شده‌اند. در حقیقت چنین موضع‌گیری‌هایی پرسش‌های زیادی برایم پیش می‌آورد و این در حالی است که همواره گفته می‌شود [فقط] در حالت تردید و سرگردانی، استخاره گرفته می‌شود. آیا این دو نفر کار نادرستی کرده‌اند؟ یعنی این استخاره به شکل درستی انجام نشده است؟ یا این استخاره صحیح بوده است و حتی در چنین حالت‌هایی هم استخاره درست است؟

پاسخ: استخاره در موقعی انجام می‌شود که در راه‌ها اختلاف و تردید و سرگردانی وجود داشته باشد و انسان نتواند راه بهتر یا درست را تشخیص بدهد؛ اما شخصی که دوست دارد با زنی ازدواج کند یا زنی که دوست دارد با مردی ازدواج کند استخاره در اینجا معنایی ندارد. در چنین موضوعاتی باید تحقیق شود و اینکه آیا این ازدواج برای هر دو نفر، صحیح و مناسب است یا خیر.

پرسش ۷۰ / امام علیه السلام در کتاب شرایع بیان فرموده‌اند که شرط ولایت پدر و جد [بر فرزندان]، ایمان و عدالت است. آیا این یعنی [در صورت مؤمن نبودن] ولایت بر پسر ساقط می‌شود؟

پاسخ: غیرمؤمن بر مؤمن ولایت ندارد.

پرسش ۷۱ / خیلی از اوقات این قضیه بین مردم، به سبب جهلشان به حکم آن، اتفاق می‌افتد؛ اینکه مادری به پسرش یا دخترش جلوی مادر بزرگش (مادرِ مادر) به طور کامل و در حد سیرشدن، شیر می‌دهد. آیا این باعث محرم شدن پدر این بچه با مادر او می‌شود؟

پاسخ: در حالت گفته شده باعث محرمیت نمی‌شود، ولی بهتر است از این کار اجتناب

شود.

پرسش ۷۲/ آیا یک انصاری حق دارد همسرش را دشنام بدهد، به او ناسزا بگوید و او را کتک بزند؟ و برای هر کار اشتباهی که در خانه اتفاق بیفتد شوهرش او را سرزنش کند؟ مثلاً هر وقت شوهر چیزی را به همسرش بدهد و بعد از مدتی آن را از او بخواهد و او بگوید فراموشش کرده‌ام، شوهر به او بگوید: حتماً به خاطر این بوده که تو به من اهمیت نمی‌دهی. به خداوند یکتا قسم که چقدر او را دوست دارم و حتی برای ساده‌ترین امور به او اهمیت می‌دهم.

پاسخ: قطعاً دشنام و ناسزاگویی جایز نیست، و در این بحثی نیست؛ و رابطه بین زوجین باید بر اساس عشق و محبت باشد نه براساس تنفر؛ و دو طرف باید بر این اساس رفتار کنند.

پرسش ۷۳/ بعضی از خانم‌ها بدون اطلاع شوهرشان از دارایی آن‌ها برمی‌دارند؛ (مثلاً یکی از آن‌ها) می‌گوید در مضیقه مالی شدیدی هستم ولی شوهرم به من نفقه نمی‌دهد و به همین دلیل بدون اطلاع وی از اموالش برمی‌دارد. آیا این کار حلال است یا حرام؟

پاسخ: رابطه میان شوهر و همسر باید فراتر از مال و اموال باشد و باید بین آن‌ها دوستی و محبت و رابطه‌ای پاک برقرار باشد تا میانشان تفاهم ایجاد کند؛ ولی به‌طور کلی زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از اموال وی بردارد؛ البته تا وقتی که شوهر نفقه‌ای را که احتیاجات او و فرزندانش را رفع می‌کند به او می‌دهد.

پرسش ۷۴/ حکم خانمی که به‌موجب ناراحتی روحی نمی‌تواند همسرش را تمکین کند چیست؟

پاسخ: اگر بیماری روحی دارد -کما اینکه از مضمون پرسش مشخص است- خود را معالجه کند تا بهبودی حاصل شود.

پرسش ۱۷۵/ خانمی که به‌موجب ناراحتی و اختلاف با شوهرش در خانه خانواده‌اش ساکن است، آیا جایز است بدون اجازه شوهرش، برای برآورده کردن نیازهایش یا دیدار خویشاوندانش از خانه بیرون برود؟

پاسخ: جایز نیست بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون برود مگر برای انجام کاری واجب، یا بنا به ضرورتی.

پرسش ۱۷۶/ آیا جایز است زن به‌همراه خواهران شوهردارش و همراه با شوهران آنها با پوشیدن حجاب کامل به گردش برود در حالی که آنها باهم اختلاط می‌کنند، صحبت می‌کنند و می‌خندند، و با داشتن حجاب به دریا می‌روند، و... عناوینی از این دست؟

پاسخ: از پاسخ پرسش قبل روشن شده که زن جایز نیست بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون برود.

پرسش ۱۷۷/ یکی از خواهران انصاری از مدت‌ها قبل با یک نفر غیرمؤمن ازدواج کرده و میان آنها اختلافات شدیدی وجود دارد در حالی که فرزند هم دارند. (این خانم) از شوهرش به دادگاه شکایت کرده و نهایتاً کار به آنجا رسید که قاضی حکم طلاق این خانم از شوهرش را صادر کرد. در حال حاضر قاضی طبق قانون خودشان طلاق این خانم را از شوهرش گرفته؛ با توجه به اینکه شوهرش حاضر به طلاق دادن همسرش نیست، حکم این مسئله چیست؟ آیا این خانم شرعاً مطلقه است؟ و بعد از گذراندن زمان عده می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟ یا هنوز مطلقه نیست، حتی اگر از شوهرش طلاق گرفته باشد؟ و اگر از نظر شرعی، او هنوز مطلقه محسوب نمی‌شود تا زمانی که همسرش او را طلاق بدهد، در حالی که آن مرد نسبت به همسرش سخت‌گیری می‌کند و به او آسیب می‌رساند، آیا راهی برای گرفتن طلاق او از این مرد وجود دارد؟ با توجه به اینکه این مرد معاند است و مؤمن نیست و نمی‌خواهد این خانم را طلاق بدهد، در حالی که این خانم مؤمن خواستار طلاق است و درخواست راه‌حل نموده است؟

پاسخ: خواسته‌اش را به دادگاه شرعی بنویسد و درخواست طلاق شرعی را به آنجا ارائه و وضعیت خودش را شرح بدهد؛ و در حال حاضر طبق برگه‌های رسمی حکومتی مطلقه است.

تربیت فرزند

پرسش ۱۷۸ / آیا مراقبت از بچه، نظافت او، غذا دادن به او و رسیدگی به کودک بر زن واجب است؟ و اگر این کارها را انجام ندهد گناه کرده، همان طور که اگر شوهرش را تمکین نکند گناه کرده است؟ و اگر خانم تصمیم بگیرد درس بخواند یا کار کند حتی اگر چند ساعت در روز باشد، آیا در این صورت نگهداری از کودکان بر مرد واجب خواهد بود، چون زن نمی‌تواند این وظیفه را انجام بدهد؟ یا این کار از پایه و اساس، جزو واجبات مرد است؟ حضانت و سرپرستی از کودکان جزو مسئولیت‌های زن است یا مرد؟ و اگر زن این مسئولیت را به عهده بگیرد، مثل طبخ غذا و تمیزکردن خانه، برایش مستحب محسوب می‌شود؟

پاسخ: تربیت و نگهداری فرزندان بر عهده هر دو نفر است، هرکدام با توجه به زمانی که برای این کار دارد. حال اگر مرد کار می‌کند و زن کار [بیرون] ندارد در این صورت قطعاً سهم زن در پرورش و رسیدگی به کودکان بیشتر خواهد بود؛ اما اینکه زن در خانه کار کند حتی اگر جزو شروط واجب ضمن عقد نبوده باشد، ولی باید قسمتی از کارهایی را که مربوط به زندگی زناشویی خودش است انجام بدهد؛ مثلاً باید خانه‌ای را که در آن به‌طور مساوی بهره‌ای از زندگی دارد تمیز نگه دارد و باید برای خودش و فرزندان غذا درست کند و....

پرسش ۱۷۹ / آیا این درست است که بچه نباید تا هفت‌سالگی تنبیه شود و نباید سرزنش شود مگر بعد از هفت‌سالگی که پس از آن شروع به تعلیم و تربیتش می‌کنند؟ و آیا این یعنی تا قبل از هفت‌سالگی لزومی ندارد به او بگوییم چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست؟ از روایات فهمیده می‌شود که نباید قبل از هفت‌سالگی بچه را به مدرسه بفرستیم و به او تعلیم بدهیم، مگر بعد از آنکه به هفت‌سالگی برسد؛ آیا این فهم صحیح است؟

پاسخ: صحیح این است که از کتک زدن بچه پرهیز شود؛ ولی از توجیه و تنبیه و شناساندن درست از نادرست به او گریزی نیست؛ اما در خصوص یادگیری، کودک از همان هنگامی که وارد زندگی می‌شود از والدین و محیط پیرامونش یاد می‌گیرد؛ بنابراین این از بی‌خردی است که تا زمانی که کودک آمادگی و توانایی یادگیری این امور را در مدرسه پیدا کند، او را از یادگیری مطالب معینی در سن معینی منع کنیم.

پرسش ۸۰ / یکی از خواهران انصاری که شوهرش هم از انصار است، شوهرش به او دستور داده جنین را سقط کند، به جهت مشکلات مالی زندگی و اینکه چند فرزند هم دارند... و او را تهدید کرده است که اگر این کار را نکند طلاقش می‌دهد. این خواهر سؤال کرده که اکنون چه کار باید انجام بدهد؟ و اینکه آیا جایز است سقط کند؟

پاسخ: سقط کردن جنین جایز نیست؛ و چه بسا خداوند روزی آن‌ها را با این بچه قرار داده باشد.

به‌طور کلی بنده بشخصه تا آنجا که خداوند سبحان و متعال، امکانات در اختیارم قرار داده، خودم را داوطلب خدمت به آن‌ها برای مراقبت از این کودک و برآورده کردن نیازهایش معرفی می‌کنم؛ ان‌شاءالله؛ و از مکتب می‌خواهم برای انجام ترتیبات لازم با آن‌ها ارتباط برقرار کند.

مسائل مربوط به زنان

پرسش ۸۱ / آیا زن هنگام قرائت قرآن باید همان محدوده‌ای را که در نماز می‌پوشاند بپوشاند؟

پاسخ: زن در هنگام قرائت قرآن می‌تواند سر خود را نپوشاند و بر او واجب نیست هنگام قرائت قرآن چیزی از بدنش را بپوشاند و می‌تواند هر موقع و با هر لباسی که بخواهد قرآن را قرائت کند؛ البته تا وقتی که در خانه‌اش هست.

پرسش ۸۲ / مبنای حکم حجاب زنان یا زنان سالمند از نظر حجاب شرعی چیست؟ و آن‌ها می‌توانند چه چیزهایی را در حضور نامحرم نپوشانند؟

پاسخ: واجب است که مو و بدنش را از نامحرم بپوشاند، مگر اینکه به سبب ناتوانی یا بیماری، عذری داشته باشد.

پرسش ۸۳ / آیا زن می‌تواند عکسش را با حفظ حجاب شرعی در رسانه‌های اجتماعی قرار بدهد؟ یا این کار اشکال شرعی دارد؟

پاسخ: اشکال شرعی ندارد و این کار به خودی خود مباح است.

پرسش ۸۴ / حکم خواهران انصاری که با خانواده‌های مخالف دعوت زندگی می‌کنند چیست؟ طبیعی است که مخالف، از اینکه برای تظاهرات خارج شویم ما را منع می‌کند؛ چراکه مثل یک انصاری، به دستور شما پایبند نیست. لطفاً مرا نصیحت بفرمایید که چگونه با مادرم که از مخالفین است رفتار کنم؛ با در نظر داشتن اینکه مادرم شخصی مسکین و ساده است و ما را دوست دارد، و من نیز دوست ندارم ناراحتش کنم؟

آیا شرکت در تظاهرات بر ما واجب است؟ و آیا می‌توانیم به خاطر ناراحت نکردن مادری که رنج‌های بسیاری در زندگی‌اش دیده است از شرکت در تظاهرات امتناع کنیم؟ از شما

درخواست دعا دارم؛ به راستی که سینه‌ام تنگ شده است و راهی به ذهنم نمی‌رسد و بیش از این تحمل ندارم.

پاسخ: خداوند تو را زنده بدارد، دخترم! قطعاً زن، نقش بسیار بزرگی دارد. یک مرد نمی‌تواند نقش زن را ایفا کند؛ زیرا زن خصوصیتی دارد که در مرد نیست و تأثیری که زن در اجتماع دارد گاهی بسیار بیشتر از مرد است. یک زن تحصیل کرده که از این توانایی برخوردار است که جامعه را مخاطب قرار دهد و در آن تأثیرگذار باشد، قطعاً در برابر جامعه‌اش وظیفه‌ای اخلاقی دارد؛ به خصوص وقتی که می‌بیند ظلم و ستم، افراد جامعه‌اش را از بین می‌برد و حقوقشان را ضایع می‌کند و قطعاً دیگران نیز باید در حمایت و پشتیبانی از او تلاش کرده و با او همراهی کنند.

اما مسئله خارج شدن زن برای تظاهرات، بنده پیش‌تر چند بار در این خصوص پاسخ گفتم^۱ که شما می‌توانی به آن‌ها مراجعه کنی، و بنده نگفتم آنکه تظاهرات برای زن یک واجب شرعی است.

پرسش ۸۵ / آیا جایز است زن، به خاطر ازدواج، پرده بکارتش را با عمل جراحی ترمیم کند؟

۱. از پاسخ‌های سید احمدالحسن علیه السلام در خصوص مشارکت زنان در تظاهرات عراق: «پرسش‌های فراوانی درباره شرکت زنان در تظاهرات فردا روز جمعه در میدان التحریر بغداد مطرح شده است؛ تظاهراتی که برای مطالبه حقوق و رسواکردن فساد حکومت‌های احزاب و تسلی خاطر خانواده‌های داغ‌دیده شهدای عراق در الکراده برگزار می‌شود.

اما پاسخ: بنده از زنان نمی‌خواهم که در تظاهرات شرکت کنند، ولی وقتی عمه ما زینب دختر علی علیه السلام برای مطالبه حقوق و رسواکردن حکومت اموی ستمگر در حضور شاهدان خارج شد، من نمی‌توانم یک زن را از ایفای چنین نقشی منع کنم.» (پیک صفحه، ص ۲۸۵ (کتاب عربی).

و اگر جایز است، آیا واجب است قبل از ازدواج این را اعلام کند؟

پاسخ: جایز است؛ و واجب است آن را اعلام کند، اگر از زندگی‌اش اطمینان دارد.

پرسش ۸۶ / آیا استفاده از «کرم‌پودر» برای دور چشم‌ها، برای پوشاندن سیاهی دور چشم، به‌خصوص هنگام خروج [از منزل] و روبه‌روشدن با مردم مجاز است؟ یا این کار نیز از جمله موارد آرایشی است که نباید جلوی نامحرم انجام داد؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۸۷ / می‌دانیم که هلهله زنان در مقابل مردان حرام است، ولی گاهی صدای هلهله به‌طور ناخواسته به گوش مردان می‌رسد، و این در شرایطی اتفاق می‌افتد که بعضی از زنان در حالی که در مجالسی داخل حسینیه هلهله می‌کنند، نمی‌دانند که ممکن است صدایشان به گوش مردان برسد. حسینیه دو طبقه دارد: طبقه‌ای برای مردان و طبقه‌ای برای زنان. ای پدرم، حکم آن چیست؟

پاسخ: اشکال ندارد.

پرسش ۸۸ / یکی از خواهران [انصار] در کارگاه خیاطی تعمیرات لباس کار می‌کند. وی لباس‌های نو نمی‌دوزد؛ بلکه لباس‌های دوخته‌شده را ترمیم می‌کند. بعضی زنان و دختران لباس‌هایی را برای او می‌آورند و از او می‌خواهند آن‌ها را تنگ کند و به این ترتیب این لباس‌ها بدن‌نما می‌شوند و این خواهر انصاری از این کار ناراحت می‌شود و می‌خواهد حکم شرعی آن را از امام احمدالحسن علیه السلام جویا شود.

همچنین یکی دیگر از خواهران انصاری نیز روی دست زنان نقش حنا می‌زند، در حالی که او می‌داند این زنان با این وضعیت به خیابان می‌روند و مردان نامحرم آن‌ها را می‌بینند و از این موضوع در دلش احساس ناراحتی می‌کند. حکم شرعی آن چیست؟ خدا رحمتتان کند!

پاسخ: در انجام این کارهای گفته شده توسط آن‌ها اشکالی وجود ندارد و اینکه دیگران با این لباس‌ها یا آرایش‌ها چه کاری انجام می‌دهند ارتباطی با آن‌ها ندارد؛ زیرا هر انسانی با عملکرد خودش محاسبه می‌شود.

پرسش ۸۹ / آقای من! یک سال قبل از شما در خصوص حکم شرعی آشکار کردن دست در کلاس درس و مطب دندان پزشکی سؤال کردم. در آن موقع ای آقای من - سعی کردم با آن‌ها در این باره صحبت کنم و سعی کردم راه‌حلهایی مثل مچ‌بند و ساق‌بندهای بلند را به آن‌ها پیشنهاد بدهم، ولی آن‌ها نپذیرفتند و گفتند که سال آینده نسبت به این قانون سخت‌گیری بیشتری خواهند کرد.

به این ترتیب راه دیگری برایم نمانده جز اینکه از این رشته درسی در دانشگاه انصراف بدهم. به رشته داروسازی روی آوردم و از خداوند مسئلت دارم که مرا در این رشته موفق بگرداند.

آقای من، امسال دروس تخصصی را گذراندم تا بتوانم در دانشکده داروسازی پذیرفته شوم.

الحمد لله به فضل خدا مواد درسی را با موفقیت پشت‌سر گذاشتم و به دانشگاه راه یافتیم، ای آقای من.

ای پدر من، از شما التماس دعا دارم تا بتوانم در دانشگاهی که در نزدیکی مان هست درس بخوانم.

پاسخ: از خداوند مسئلت دارم تا کازت را در آنچه خیر آخرت و دنیایت در آن قرار دارد آسان بفرماید.

اگر مایل هستی در دندان پزشکی ادامه بدهی به نظر بنده گزینه‌های دیگری نیز برای

انتخاب وجود دارد و انتخاب‌های شما تنها به این دو گزینه که یا ساق دست‌هایت را آشکار کنی، یا از این رشته‌ای که می‌خواهی در آن درس بخوانی و کار کنی، انصراف بدهی محدود نمی‌شود؛ به‌عنوان مثال دانشگاه‌های دیگری هم وجود دارند که چنین شروطی ندارند؛ همچنین دستکش‌های طبی، و موارد دیگری نیز وجود دارند؛ اما اینکه تو از آن‌ها درخواست کنی، به نظر بنده فایده‌چندانی برایت ندارد؛ می‌توانی آن‌ها را در برابر عمل انجام‌شده قرار بدهی و آن‌ها را وادار کنی به پیدا کردن راه‌حلی؛ زیرا تو برای درس خواندن به‌صورت موقتی آنجا هستی، نه برای کارکردن.

ارث

پرسش ۹۰ / شخصی فوت کرده در حالی که دختر بالغی داشته، و در حضور محکمه به طور رسمی از او جدا شده است. دختر نیز خواسته با مادرش زندگی کند و اینکه پدرش از آن دو جدا شود را نیز پذیرفته‌اند. سؤال این است که آیا این دختر اگر مدعی ارث بشود حق ارث دارد؟

پاسخ: حق ارث دارد.

پرسش ۹۱ / آیا زن از املاک و مستغلات مادر ارث می‌برد؟ یا از ارش آنها؟ یا در این خصوص سهمی از ارث ندارد؟

خانواده‌ای غیر انصاری هست که پدرشان فوت کرده و از من خواسته‌اند میراث آن‌ها را طبق نظر سید احمد الحسن علیه السلام تقسیم کنم. شخص متوفی یک همسر و شش فرزند دارد: دو پسر و چهار دختر؛ مآثرک عبارت است از یک باب خانه به ارزش یک صد و چهل میلیون، به همراه اثاثیه موجود در آن.

آن‌ها منتظر پاسخ در سریع‌ترین زمان ممکن هستند.

پاسخ: همسر از همه میراث، چه املاک و مستغلات و چه دیگر عناوین، ارث می‌برد.

سهم زن از میراث گفته شده، یک هشتم است و مابقی برای فرزندان است، به نسبت دو سهم برای هر پسر و یک سهم برای هر دختر.

پرسش ۹۲ / پدری همراه با فرزندش (که این فرزند متأهل و صاحب اولادی است) در سانحه رانندگی از دنیا رفته‌اند و ما نمی‌دانیم کدامیک زودتر فوت شده است. آیا فرزندان این شخصی که همراه با پدرش (یعنی جد فرزندان) فوت شده است، در این حالت گفته

شده، از جدشان ارث می‌برند؟

پاسخ: [در این حالتِ گفته شده] فوت پدر زودتر در نظر گرفته می‌شود و به این ترتیب پسر ارث می‌برد و [طبیعتاً] فرزندان نیز از او ارث خواهند برد.

پزشکی و درمان

پرسش ۹۳ / آیا زوجین می‌توانند به‌طور کلی بنا به علتی یا بدون علت، از فرزندآوری جلوگیری کنند؟ و آیا مرد جایز است با انجام عمل جراحی مانع از به‌وجود آمدن نطفه شود؟

پاسخ: زوجین با توافق یکدیگر می‌توانند از فرزندآوری امتناع کنند، و مرد می‌تواند با انجام عمل جراحی مانع از فروریختن منی بشود؛ ولی بهتر است از راه‌حل‌های موقت استفاده کند.

پرسش ۹۴ / آیا انجام لقاح مصنوعی از طریق لوله آزمایشگاهی جایز است؟ به همان صورتی که به‌طور معمول در بسیاری از بیمارستان‌های تخصصی این کار، برای کسانی که توانایی فرزندآوری ندارند انجام می‌شود. البته در صورتی که لقاح از طریق پدر و مادر انجام شده باشد.

پاسخ: جایز است.

پرسش ۹۵ / آیا استفاده از قرص‌های زغالی به‌عنوان داروی ملین با توصیه پزشک جایز است؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۹۶ / کودکی هفت‌ساله دارم که مبتلا به اوتیسم، سرطان خون و باد فتق است و توانایی صحبت کردن ندارد. ۱۸ ماه است که او را شیمی‌درمانی می‌کنیم ولی بهبود چندانی نداشته است. او رنج‌های بسیاری ناشی از خطاهای پزشکی متحمل شده است؛ تا آنجا که سلول‌های سرطانی به دستگاه عصبی رسیده و این خطای گُشنده، ناشی از کواتهای بیمارستان و کادر درمان بوده است. ما او را از طریق داروهای شیمیایی درمان

کرده‌ایم و او چند مرتبه به سبب اشتباهات پزشکی تا حد مرگ پیش رفته است. طبیعتاً تمام تحلیل‌های پزشکی آن‌ها نادرست بوده و بیشتر درمان‌هایی هم که روی وی انجام شده اشتباه بوده است. توجه چندانی در این زمینه وجود ندارد و تقریباً انسانیت در بیمارستان‌ها از بین رفته است و بیشتر کودکان می‌میرند.

پرسش من این است که آیا جایز است داروهای شیمیایی فرزندم را قطع کنم؟ آیا این کار حلال است یا حرام؟ احتیاج به مشورت شما دارم تا دربارهٔ پسر مرتکب هیچ گناهی نشوم که خداوند آن را نبخشد. حرف‌های زیادی برای گفتن هست ولی مختصر بیان کردم تا طولانی نشود.

پاسخ: جایز نیست مگر اینکه پزشک معالج توصیه کند.

پرسش ۹۷/ پرسش بنده در خصوص موضوع شبیه‌سازی حیوانی یا انسانی است. آیا این کار، اخلاقی یا شرعی است؟ تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ شبیه‌سازی وجود دارد، ولی آیا اصلاً این کار سودمند هست؟

پاسخ: پیش‌تر بیان کردم که در خصوص مسئلهٔ شبیه‌سازی حیوانی یا انسانی، در هنگام وجود ضرورت و نیاز به آن و در صورت نبود هیچ‌یک از موانع شرعی که بیان کرده‌ام، اشکالی وجود ندارد^۱ و معتقدم شبیه‌سازی، برای نجات زندگی بسیاری از انسان‌ها و نیز بهبودی افراد نابینا، معلولین و دیگر بیماران، مهم و ضروری است. همچنین مانعی برای شبیه‌سازی جنین و استفاده از سلول‌های بنیادی برای ساختن اندام انسانی برای پدر یا مادر جنین شبیه‌سازی شده وجود ندارد.

پرسش ۹۸/ حتماً از رخدادهای علمی اخیر که در پایان امسال قرار است اتفاق بیفتد مطلع شده‌اید؛ اتفاقی که سروصدای زیادی در دنیای پزشکی به‌طور خاص، و به‌طور کلی

دنیا، به راه انداخته است؛ یعنی عمل پیوند سر که دکتر جراح سرژیو کاناوارو عهده‌دار انجامش شده است و گفته شده این عمل ۱۱ میلیون دلار هزینه دارد و حدود ۳۶ ساعت به طول خواهد انجامید و با مشارکت ۱۵۰ پزشک انجام خواهد شد و درصد موفقیت آن ۹۰٪ تخمین زده شده است.

با یکی از همکارانم روی این موضوع بحث شد که می‌گفت اگر این عمل با موفقیت به انجام برسد باب بحث وجدل به روی قضایای بسیاری گشوده خواهد شد و به او وعده دادم که از شما پاسخی در این خصوص دریافت خواهم کرد؛ با توجه به اینکه او از کتاب توهم بی‌خدایی اطلاع دارد.

و پرسش بنده: شما در خصوص این قضیه که یک شخص، سر یک نفر اعطاکننده (شخص مرده) را قطع خواهد کرد و به بدن شخص دیگری پیوند می‌زند چه پاسخی دارید؟

با تشکر فراوان و با عذرخواهی از طولانی‌شدن سخن. هشت ماه تا انجام عمل پیوند سر باقی مانده است!

پاسخ: بنده موضوع پرسشی را که شما بیان کردی نخوانده‌ام، ولی به‌طور کلی عمل پیوند سر از نظر پزشکی ناممکن نیست و با پیشرفت پزشکی در زمینه درمان ژنتیکی و درمان از طریق سلول‌های بنیادین، شدنی و در دسترس خواهد بود؛ پس مسئله، فقط زمان است و حتی اگر این عمل نیز به شکست بینجامد، این کار شدنی است و کاری است که می‌تواند انجام شود و بستگی بسیاری به پیشرفت پزشکی دارد، نه چیز دیگر.

اما از دیدگاه دینی، دین با نفس تعامل دارد، و تکلیف‌ها متوجه نفس انسانی است، و از نظر حقوق شرعی مربوط به بدن، در این خصوص تفصیل بسیاری وجود دارد.

خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

پرسش ۹۹ / آیا خوردن سرکهٔ بالزامیک جایز است؟

پاسخ: خوردن سرکهٔ بالزامیک اشکال ندارد؛ همچنین سرکهٔ ساخته‌شده از شراب نیز اشکال ندارد.

پرسش ۱۰۰ / حکم استفاده از جوز هندی (نوعی ادویه) چیست؟ آیا از این نظر که بسیار مست‌کننده است حرام است؟

پاسخ: استفاده از آن، جایز است.

پرسش ۱۰۱ / خوردن معجون ژاپنی «میسو» که برای مداوا استفاده می‌شود چه حکمی دارد؟

این معجون عبارت است از: تخمیر برنج یا جو، با استفاده از نمک و دفن کردن آن زیر زمین به مدت ۶ تا ۱۸ ماه. از این معجون برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج استفاده می‌شود.

آدرس اینترنتی طریقهٔ آماده‌سازی آن:

<https://www.youtube.com/watch?v=Whr۵۸wj-۶۵A>

پاسخ: اشکال ندارد؛ البته اگر مقدار الکل شکل‌گرفته در آن کم باشد، و موجب مستی یا بروز اثرات مستی نشود.

همچنین: باید توجه شود که به آن الکل اضافه نشود، که اگر در آن الکل اضافه شود باید از آن اجتناب کرد؛ زیرا به‌طور معمول از انواع الکی اضافه می‌کنند که برای مستی تهیه شده که نجس است، و حتی اگر اندکی از آن را اضافه کنند خوراکی نجس می‌شود.

پرسش ۱۰۲ / آیا نوشیدن شیر الاغ جایز است؟ و آیا استفاده از آن، برای مداوای بیماری معینی جایز است؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۰۳ / خوردن تربت امام حسین علیه السلام چه به منظور شفا و چه به هر منظور دیگری، چه حکمی دارد؟ و اگر شخصی به جهت اشتیاق و عادت کردن به تربت و نه به منظور شفا، همواره تربت امام حسین علیه السلام را بخورد حکمش چیست؟ و به قصد شفا چه مقدار تربت خورده می شود؟

پاسخ: خوردن خاک به صورت بی هدف که در اینجا توصیف شده است، جایز نیست.

پرسش ۱۰۴ / زمان معین برای تخمیر آب جو چقدر است؟ آیا این زمان، حدی شرعی دارد یا عرفی؟ و اگر عرفی باشد چند نظر وجود دارد: عده ای می گویند وقت خارج شدن بو از آب جو است؛ دیگری می گوید هنگامی که دانه ها شکافته شوند؛ و عده ای دیگر زمان خاصی مشخص می کنند.

پاسخ: بستگی به مقدار الکلی دارد که در آن تشکیل می شود؛ اگر کم باشد و از ۲٪ تجاوز نکند اشکالی ندارد و مست کننده حساب نمی شود.

شکار و تذکیه

پرسش ۱۰۵ / امام علیه السلام در یکی از پاسخ‌های خود بیان فرموده‌اند که شکار ماهی‌ها در وقت تولیدمثلشان جایز نیست. آیا این قاعده برای تمام حیوانات معتبر است یا فقط به ماهی اختصاص دارد؟

پاسخ: هرگونه شکار ظالمانه حیوانات نادرست است و جایز نیست؛ زیرا به محیط‌زیست، و در نتیجه به منافع عمومی آسیب می‌رساند و به معنای تجاوز به حقوق دیگران است.

از جمله مصادیق شکار ظالمانه:

- شکار در زمان تولیدمثل حیوانات، به خصوص اگر سالانه یا فصلی باشد؛

- صید بی‌رویه حیوانات به طوری که وجود آن‌ها را به مخاطره اندازد یا موجب انقراض آن‌ها شود یا موجب شود تعدادشان تا حد قابل ملاحظه‌ای - چه به طور خاص در منطقه صید و چه به طور کلی - کم بشود؛

- شکار بچه‌های حیوانات.

پرسش ۱۰۶ / آقای من، چند روز قبل متوجه شدیم اهل سنت اعتقاد دارند که رو به‌قبله کردن ذبیحه، مستحب است و واجب نیست. همچنین متوجه شدیم که طبق همین حکم شرعی، کشتارگاه‌هایی وجود دارند که مرغ را پشت به قبله ذبح می‌کنند. آقا و مولای من، شنیده‌ام که شما جواز خوردن گوشت از بازارهای اسلامی را صادر کرده‌اید ولی باید دربارهٔ طریقه ذبح مرغ تحقیق شود.

حال چگونه خوردن گوشت از شخص معتمد و اینکه فروشنده، مسلمان، و همین که در سرزمین اسلامی باشد جایز است، ولی این حکم در خصوص مرغ معتبر نیست؟

پاسخ: در حیوان ذبح شده به دست مسلمانی که شهادتین را می گوید تا زمانی که شروط تذکیه صحیح برقرار باشد اشکالی وجود ندارد و تا زمانی که علتی برای شک و تردید نسبت به صحت تذکیه وجود نداشته باشد دقت نظر در این خصوص لازم نیست.

اما در خصوص مسئله ذبح مرغ به طور خاص، اشکالات بسیاری در این باره وجود دارد و به همین دلیل واجب است بررسی شود، و از نحوه کشتار و چگونگی آن از منبع تولیدکننده، اطلاع حاصل شود. اگر یقین حاصل کردید که ذبح به صورت صحیح انجام شده و مرغ ها رو به قبله ذبح شده اند و شروط تذکیه صحیح که پیش تر بیان کرده ام به درستی رعایت شده اند اشکالی وجود ندارد؛^۱ در غیر این صورت از آن اجتناب کنید.

پرسش ۱۱۰۷ / اگر حیوان را قبل از ذبح، به روشی بیهوش کنند، آیا در حلال بودن ذبح اشکالی وارد می کند؟

پاسخ: تا وقتی که حیوان در زمان اجرای فرایند ذبح، زنده باشد، آن حیوان ذبح شده حلال و خوردن گوشتش جایز است، و اشکالی در آن نیست.

پرسش ۱۱۰۸ / اگر حیوان از دو پا آویزان شود و با رعایت تمام واجبات شرعی ذبح، از جمله: رو به قبله کردن حیوان، گفتن بسم الله، بریدن رگها و قطع نکردن کامل سر حیوان، ذبح شود، آیا این حیوان ذبح شده حلال است؟

پاسخ: این نوع ذبح کردن اشکالی ندارد؛ مهم رو به قبله کردن حیوان ذبح شده است، و اینکه از پا آویزان شود و سر حیوان رو به پایین باشد اشکالی وارد نمی کند.

پرسش ۱۱۰۹ / آیا خوردن ماهی که بعد از خارج کردن از آب با ضربه به سرش

۱. مراجعه کنید به: پاسخ های فقهی، سید احمد الحسن علیه السلام، مسائل متفرقه، ج ۱.

کشته‌شده باشد، جایز است؟

پاسخ: شرط پاک‌بودن ماهی این است که آن را زنده از آب بیرون بیاورند و مستحب است در حالی که زنده است خونس را بریزند، و خون را با چیز نوک‌تیزی با ضربه‌زدن به نزدیکی قلب خارج کنند.

پرسش ۱۱۰ / در خصوص پاک‌بودن ماهی‌هایی که به‌صورتی که در بازارهای ما متعارف است- در گاری‌های کوچک چوبی گذاشته می‌شوند پرسشی دارم. با توجه به اینکه می‌دانیم این ماهی‌ها، زنده هستند و با وجود اینکه مقدار آب موجود کم است، به‌طوری که بدن ماهی را نمی‌پوشاند، و می‌دانیم این کار فقط به این منظور انجام می‌شود که ماهی به‌صورت زنده تا مدت بیشتری محافظت بشود و اگر بمیرد فاسد نشود، پرسش این است که اگر ماهی در این حالت بمیرد، آیا حرام است یا خیر؟

پاسخ: در پاک‌بودن ماهی‌هایی که در حوضی می‌میرند که آب کمی دارد به‌طوری که آب، تمام ماهی‌ها را نمی‌پوشاند و هوا به آبش‌های ماهی می‌رسد اشکالی وارد نیست.

پرسش ۱۱۱ / آیا زن می‌تواند ذبح کند؟

پاسخ: جایز است.

پرورش حیوانات

پرسش ۱۱۲ / عده‌ای از مؤمنان از جایز بودن نگهداری و پرورش بعضی از حیوانات یا خزندگان، مثل گرگ، سوسمار، همستر (نوعی موش)، قورباغه یا وزغ، و سنجاب، سؤال پرسیده‌اند؟

پاسخ: پرورش دادن حیوانات به خودی خود، اشکال ندارد.

پرسش ۱۱۳ / آیا پرورش بعضی از حیوانات حرام گوشت مثل سگ و خوک و تمساح، و فروش آن‌ها به کسانی که آن‌ها را حلال می‌دانند جایز است؟

پاسخ: جایز است.

دادوستد طبق قوانین قراردادی

پرسش ۱۱۴ / آیا گرفتن اموال دولت تحت عنوان آزادسازی با این توجیه که سهم شخص از منابع ملی است، جایز است؟ و اگر جایز است آیا عام است یا خاص؟

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۱۵ / مؤسسه زندان‌ها از من کمک خواسته است تا اطمینان خاطر حاصل شود که آیا فلان شخص واقعاً زندانی است و استحقاق دریافت حقوق و چیزهای دیگر را دارد، یا زندانی نیست؛ و بر اساس گفته من، تصمیم‌گیری توسط قاضی صالح انجام خواهد شد.

آیا در این تعامل من با آن‌ها، ضرر و زیانی متوجه من هست؟ و اگر من نوشته باشم که

فلانی در حبس نیست و واقعاً هم در حبس نبوده است، ولی او دروغ گفته تا به حقوق [یک زندانی] دست پیدا کند، آیا چیزی بر عهده من هست؟ آیا او را با دروغش به حال خودش رها کنم؟ یا حقیقت را بگویم؟

با توجه به اینکه آن‌ها به من اعتماد دارند و برای من دردآور است که فاش شدن حقیقت، منجر به محروم شدن عده‌ای از آن‌ها شود؛ کما اینکه افشای رازشان بعدها آن‌ها را در معرض پس دادن تمامی آنچه به دست آورده‌اند یا حتی رفتن به زندان قرار خواهد داد.

آیا از کمک به این مؤسسه در زمینه اطلاعات خودداری کنم؟ با توجه به اینکه بودن بنده با آن‌ها به حال عده‌ای در جهت کمک به رفع امور زندگی‌شان و تسهیل در معاملاتشان سودمند است؟

پاسخ: در شهادت دادن و گفتن حقیقت اشکالی نیست؛ بلکه چه بسا کتمان شهادت اشکال داشته باشد.

پرسش ۱۱۶ / در حال حاضر برای زندانی‌ها، مستمری ماهیانه از طرف دولت تخصیص داده می‌شود؛ ولی اگر کسی قبلاً با حزب بعث همکاری کرده باشد از این حقوق و مستمری محروم می‌شود. آیا برای ما جایز است که به این اشخاص کمک کنیم تا به آنچه استحقاقش را دارند دست یابند؟ با توجه به اینکه عده‌ای از آن‌ها بسیار فقیر هستند، یا وابستگی گذشته آن‌ها باعث ضرر و آسیبی به کسی نشده است.

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۱۷ / کارمندی در یک اداره کار می‌کند و ابزار و ادواتی مثل قیچی، دستگاه پرس، دریل و مته در اختیارش است و این ابزارآلات جزو دارایی‌های آن اداره است. آیا او می‌تواند از این ابزار و وسایل استفاده شخصی کند؟ با توجه به اینکه به‌عنوان مثال او چیزهایی مثل پین‌هایی برای دستگاه پرس خریده و دستگاه‌های از کار افتاده را در این

اداره تعمیر کرده، در حالی که در شرح وظایفش نبوده و اجرتی نیز بابتشان دریافت نکرده است؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۱۸/ بنده در یکی از ادارات دولتی، با ماشین، کارمندا را جابه‌جا می‌کنم و ماهانه ۲۲۰ هزار که مبلغ کمی است، حقوق دریافت می‌کنم. بعد از ساعت کار اداری، ماشین نزد من می‌ماند و می‌توانم از آن استفاده کنم.

پرسش من: آیا جایز است که بعد از ساعت کار اداری، برای کسب روزی و برآورده کردن نیازهایم با این ماشین کار کنم؟ با توجه به اینکه راننده ماشین‌های این اداره چنین کاری انجام می‌دهند.

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۱۹/ آیا دریافت وام به قصد معینی مثل «احداث دریاچه» مجاز است؟ با توجه به اینکه وقتی وام را برای این موضوع دریافت کنم، می‌خواهم از آن برای منظور دیگری استفاده کنم و وقتی آن‌ها می‌خواهند برای تحقیق درباره این سرمایه‌گذاری ببینند آن‌ها را به دریاچه دیگری که به من تعلق ندارد می‌برم، و این کار صرفاً برای دریافت وام بوده است. با توجه به اینکه محل تأمین بودجه این وام، گاهی دولتی است و گاهی نیز محلی. آیا این کار مجاز است؟

پاسخ: با توجه به مطالب گفته‌شده در این سؤال، جایز نیست؛ زیرا این کار، نوعی تقلب و فریب کاری است.

پرسش ۱۲۰/ گاهی اوقات قراردادهایی از طریق اداره می‌آورند و ما مبالغی به طرف پیمانکار می‌دهیم تا کار انجام شود. آیا من به عنوان یک کارمند حق دارم خودم انجام این

کار را با مبلغی مثلاً ۱۰ میلیون به عهده بگیرم؟ با توجه به اینکه می‌دانم هزینه این کار ۸ میلیون دینار می‌شود.

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۱۲۱ / گاهی اوقات بنده از طرف اداره، مأمور اجاره تجهیزات (مثل اجاره لودر) می‌شوم و اداره برای اجاره این تجهیزات روزانه ۳۰۰ هزار به من می‌دهد. بنده به دنبال کسی می‌گردم تا با مبلغ کمتر از این نیز کار کند و به این ترتیب بتوانم از مقدار اضافه پول استفاده کنم. آیا می‌توانم چنین کاری انجام بدهم؟

پاسخ: جایز نیست؛ و درست آن است که مبلغ اضافه، بازگردانده شود؛ زیرا جزو اموال عمومی است که همه مالکش هستند.

پرسش ۱۱۲۲ / گاهی اوقات اداره، کاری را واگذار می‌کند و بعد از بررسی، پنج روز قطعی برای انجام آن کار و مبلغی را نیز به‌ازای هر روز در نظر می‌گیرد؛ ولی من این کار را طی سه روز انجام می‌دهم و مبلغ آن دو روز اضافه باقی‌مانده را نیز به‌عنوان سود خودم دریافت می‌کنم. آیا این کار، مجاز است؟

پاسخ: جایز نیست و مبلغ اضافه باید عودت داده شود؛ زیرا جزو اموال عمومی است.

پرسش ۱۱۲۳ / گاهی اوقات مدیر کمیته تدارکات، مبلغی را به‌عنوان هدیه برای دستیارانش اختصاص می‌دهد؛ با توجه به اینکه این مبلغ، قسمتی از بودجه‌ای بوده که برای کاری معینی در اداره تخصیص داده شده است، آیا حق دارم این مبلغ را قبول کنم؟

پاسخ: این مدیر، یک دزد فاسد است و شما مجاز نیستی این پول را از او بگیری؛ بلکه باید او را رسوا کنی و به مراجع قضایی تحویلش بدهی.

پرسش ۱۱۲۴ / گاهی اوقات برای خرید موادی برای شرکت، مأمور می‌شوم و مدیر اداره تدارکات از من می‌خواهد فاکتور خرید به او بدهم. این مواد مثلاً ۶۵۰ هزار می‌ارزند و من

فاکتور ۷۰۰ هزار دیناری تنظیم می‌کنم. آیا من مجاز هستم فاکتوری با غیر از مبلغ واقعی تنظیم کنم؟

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۱۲۵ / گاهی اوقات اجناسی را که مخصوص خود شرکت هستند، مثل لوازم التحریر از شرکت برمی‌دارم. آیا این کار جایز است؟

پاسخ: در حدی ساده که گاهی برای انجام کاری لازم باشد، اشکالی ندارد.

پرسش ۱۱۲۶ / در بعضی ادارات دولتی برای مدیرعاملی یا مدیر یک بخش، انتخابات برگزار می‌شود. آیا مؤمن می‌تواند به‌عنوان نامزد این پست یا برای بیان اظهارنظر، در انتخابات شرکت کند؟

پاسخ: اشکال ندارد.

پرسش ۱۱۲۷ / آیا من مجاز هستم که به‌طور غیررسمی وجه‌هایی را برای معاملاتی پرداخت کنم که از طریق این معاملات وجوهی به‌عنوان حقوق رفاه اجتماعی به بعضی از افراد بی‌بضاعت پرداخت می‌شود؟

پاسخ: پرسش واضح نیست؛ منظور از «به‌طور غیررسمی» چیست؟ ولی به‌طور کلی اگر منظور، ایجاد میان‌بری به‌قصد هزینه‌کردن وجوهی برای رفع نیاز نیازمندان باشد، اشکالی ندارد.

پرسش ۱۱۲۸ / شخصی به یک سال [حبس] محکوم شده، و قبل از به‌پایان رسیدن یک سال [از زندان] خارج شده است. حال بستن پرونده او منوط به اثبات این شده که مدت یک سال محکومیت را گذرانده باشد. آیا او حق دارد از طریق جعل اسناد یا قسم خوردن این مطلب را اثبات کند؟

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۲۹ / حکم کارکردن در بانک‌ها چیست؛ اگر جایگزین مناسبی برای سؤال‌کننده وجود نداشته باشد؟

پاسخ: کار در بانک‌ها جایز است.

پرسش ۱۳۰ / در کشورمان (عربستان سعودی)، برای به‌دست‌آوردن شغل تحت فشار و سختی‌هایی قرار داریم. آیا ما می‌توانیم برای به‌دست‌آوردن کاری دشوار، دروغ کوچکی بگوییم یا شهادت دروغ بدهیم؟

پاسخ: شهادت دروغ برای استخدام و تحقیق مجاز نیست.

رفتار با غیرمؤمنان به [دعوت] حق

پرسش ۱۳۱ / من در حوزه علمیه یکی از مراجع تدریس می‌کنم و شغلم را خیلی دوست دارم [گوینده یک خانم است]. فقه و سیره [تاریخ زندگانی اهل‌بیت] و اخلاق تدریس می‌کنم. تمنا دارم اجازه بفرمایید در حوزه بمانم تا بتوانم بعضی از موضوعاتی را که به دعوت اختصاص دارد به شکل غیرمستقیم اصلاح کنم. امیدوارم پاسخم را بدهید ای آقای من، که من حیران و سرگردانم. آیا در حوزه بمانم، یا از شغلم انصراف بدهم؟ با تشکر بسیار، آقای من!

پاسخ: تفقه کن و از جزئیات تمام عقایدی که بیان کردم اطلاع حاصل کن و باقی ماندن در حوزه فعلاً مانعی ندارد. از خداوند برایت توفیق و تسدید مسئلت دارم؛ که او سرپرست من است و صالحان را سرپرستی می‌کند.

پرسش ۱۳۲ / آیا ما مجاز هستیم در طول مبارزه، به روی مجروحان جبهه النصره و داعش آتش بگشاییم و بیمارستان‌های صحرایی آن‌ها را نابود کنیم و...؟

پاسخ: داعش، النصره و القاعده حرمت ندارند و در صورت اضطرار جایز است.

پرسش ۱۳۳ / در ایران یک تشکل نظامی مردمی به نام «بسیج» زیر پرچم سیدخامنه‌ای و تحت امر او وجود دارد که مردم را به منظور اهداف و اغراض خودشان به کار می‌گیرند. این‌ها ضد دعوت مبارک هستند و می‌گویند ما منحرف هستیم و ما را «شیعه داعشی» می‌نامند. نظر شما درباره انصاری که با آن‌ها همکاری و در کارها به آن‌ها کمک می‌کنند چیست؟

پاسخ: تا زمانی که عملکردشان در محدوده شرع باشد، و باعث‌وبانی هیچ ظلمی به

احدی نباشند اشکالی در همکاری با آنها وجود ندارد. آنها ایرانی هستند و حق دارند در هرگونه تشکل نظامی برای دفاع از ایران مشارکت داشته باشند.

احکام مربوط به تجارت و معاملات

پرسش ۱۳۴ / حکم بالابردن قیمت در مزایده چیست؟ یعنی اینکه شخصی قیمت را بالا می‌برد در حالی که نمی‌خواهد آن را بخرد؛ بلکه به این دلیل این کار را انجام می‌دهد که شخص دیگری بشنود و قیمت را بالا ببرد.

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۳۵ / حکم فروختن محصول زراعت به‌طور کلی چیست؟ به این ترتیب که محصول را به‌طور کلی می‌فروشند، چه وزنش زیاد باشد و چه کم.

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۳۶ / گرفتن اجرت برای انجام حجامت چه حکمی دارد؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۳۷ / آیا فروختن خون جایز است؟ یا مثل فروختن اعضای بدن حرام است؟

پاسخ: فروختن خون جایز است.

پرسش ۱۳۸ / «بانک رافدین» ۳ میلیون دینار با سود ۷٪ به بازنشستگان وام اعطا می‌کند. حکمش چیست؟ آیا شرعی است یا ربا محسوب می‌شود؟ خداوند هزار بار جزای خیر به شما ارزانی بفرماید.

پاسخ: گرفتن آن جایز است.

پرسش ۱۳۹ / حکم پرداخت سود توسط بانک‌های حکومتی و بانک‌های محلی در عراق و خارج از عراق به سپرده‌های پس‌انداز چیست؟ و اگر منظور از سپردن پول فقط

برای حفظ این پول باشد و دریافت سود مدنظر نبوده باشد چطور؟

پاسخ: سپرده‌گذاری پول و گرفتن سود جایز است.

پرسش ۱۴۰ / به گردش درآوردن پول به‌صورتی که با عنوان «مضاربه» شناخته می‌شود، چه حکمی دارد؟ در این روش، فقط نسبت درآمد مدنظر است و سود بر رأس المال بسته نمی‌شود؛ مثلاً در سرمایه‌گذاری یک میلیون دینار، اگر توافق شود که سود نصف شود چه درآمد کم باشد و چه زیاد، آیا این کار مجاز است؟ اگر به این صورت توافق شود که در برابر این یک میلیون دینار، من بخواهم ماهانه ۵۰ هزار یا ۱۰۰ هزار دریافت کنم، آیا مجاز است؟

پاسخ: مضاربه یا گرفتن نسبتی از درآمد اشکال ندارد.

پرسش ۱۴۱ / پرسشی در خصوص درآمدزایی: یک نفر مقداری از پولش را به تاجری داده و در برابرش سود مشخصی دریافت می‌کند، ولی ضرر و زیان بر عهده هر دو نفر تاجر و صاحب پول است. آیا این روش، حکم ربا را دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد و ربا شمرده نمی‌شود.

پرسش ۱۴۲ / شخصی در جایی کار می‌کند و یقین دارد که اموال صاحب‌کار حرام است (وی معامله ربوی می‌کند) و مزد کار او را نیز از همین اموال می‌دهد. آیا جایز است با او کار کند و اجرتش را از او بگیرد؟

پاسخ: کارکردن با او در غیر از فعالیت ربوی جایز است و گرفتن مزد هم اشکال ندارد.

پرسش ۱۴۳ / در خصوص بعضی از بانک‌ها که هویتشان مشخص نیست و معلوم نیست که دولتی هستند یا نه، و با توجه به اینکه عملکرد بیشتر بانک‌های دولتی صحیح نیست، سودهایی که می‌دهند چه حکمی دارد؟ منظور بنده دریافت بهره پول‌های سپرده‌شده توسط شهروندان در این بانک‌هاست.

پاسخ: گرفتن این سودها جایز است.

پرسش ۱۱۴۴: شخصی کالایی دارد و می‌خواهد آن را بفروشد و از شخص دیگری می‌خواهد واسطهٔ فروش شود و آن را مثلاً به قیمت دو دینار بفروشد، و آن واسطه هم کالا را به مشتری مثلاً به قیمت پنج دینار می‌فروشد. آیا واسطه می‌تواند با اجازهٔ مالک از اصل پول مبلغ یک یا دو دینار بردارد؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۱۴۵: ربای بین پدر و فرزند، و میان شوهر و همسر، و برعکس، در معاملات مالی، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بینشان ربا نیست.

پرسش ۱۱۴۶: شخصی خانه‌اش را فروخته و شخص دیگری مبلغ آن را از او قرض گرفته است. قرض‌دهنده به او گفته است که معادل این مبلغ را به صورت خانه‌ای از تو می‌خواهم، در جایی که به‌طور معمول خانه‌هایش گران نباشند؛ ولی خانه‌ای با این خصوصیات معمولاً پیدا نمی‌شوند مگر با قیمتی بالاتر از آن مبلغ. آیا این رباست؛ زیرا چیزی که صاحب مبلغ دریافت کرده بیشتر از چیزی است که قرض‌گیرنده به او داده است؟

پاسخ: ربا محسوب نمی‌شود.

پرسش ۱۱۴۷: عده‌ای برای دریافت وام ثبت‌نام کرده‌اند و اسم من برای دریافت آن اعلام شده است. آیا می‌توانم نوبتم را به شخص دیگری بدهم و قسمتی از پول را دریافت کنم و از اسم او استفاده کنم؟

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۴۸ / در خصوص وام کارمندی که بعضی از بانک‌های عراقی به کارمندان می‌دهند و مبلغ وام ۱۰ میلیون دینار با سود ۹٪ است. آیا گرفتن این وام جایز است؟ و آیا این [حکمی که می‌فرمایید] یک حکم عمومی برای تمام حکومت‌هایی است که با عنوان حکومت اسلامی شناخته می‌شوند؟ یا ما طبق همان حکم قبلی در خصوص ربوی بودن این وام‌ها عمل کنیم؟ و آیا مثلاً در جایز بودن دریافت وام از بعضی از حکومت‌ها استثناهایی وجود دارد؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۴۹ / من و برادرم بیکار هستیم. کاری به ما پیشنهاد شده؛ کار در یک جایگاه عرضه سوخت که حقوقی ندارد؛ با توجه به اینکه بنزین لیتری ۴۵۰ دینار است و تمام جایگاه‌ها، بنزین را لیتری ۵۰۰ دینار می‌فروشند و صاحب جایگاه به ما گفته است که این ۵۰ دینار به ازای هر لیتر مال خودتان؛ یعنی هر ده لیتر می‌شود ۵۰۰ دینار. این نوع کارکردن چه حکمی دارد؟

پاسخ: انجام این کار اشکالی ندارد.

پرسش ۱۵۰ / در دوران حکومت صدام، حکومت، باغ‌های بسیاری را تصاحب و هموار و سپس قطعه‌بندی کرد و به‌عنوان اراضی مسکونی به مردم واگذار کرد؛ یعنی این باغ‌ها از مردم گرفته و قطعه‌بندی شد و سپس به عده‌ای از مردم فروخته شد؛ ولی بعد از سقوط صدام شاهد هستیم که صاحبان این باغ‌ها چیزی نمی‌گویند و گویا به این وضعیت رضایت داده‌اند؛ زیرا آن‌ها زمین‌های خود را مطالبه نکرده‌اند و خریدوفروش این زمین‌ها در میان مردم، عادی شده است. آیا خریدوفروش و سکونت در چنین حالتی مجاز است؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۵۱ / در معاملات که میان مردم انجام می‌شود، مثل خریدوفروش ماشین، خانه و حیوانات، گاهی اوقات به‌دلیل مسئله معینی، اختلافاتی میان فروشنده و خریدار به

وجود می‌آید. آیا ما می‌توانیم آن‌ها را برای حل مشکل، به مراجع متعارف و متخصصان این معاملات ارجاع بدهیم؟

پاسخ: مراجعه به مراجع متعارف یا متخصصان یا عشایر تا زمانی که رضایت میان طرفین حاصل شود اشکالی ندارد.

پرسش ۱۱۵۲/ کسی که مکانی را اجاره می‌کند و بعد از مدتی معلوم می‌شود آن مکان توسط صاحب فعلی از صاحبانش غصب شده است، چه حکمی دارد؟ آیا این غصبی بودن، تأثیری بر حلال بودن خرید و فروش دارد؟ آیا بر او واجب است که بی‌درنگ آنجا را ترک کند؟

پاسخ: شخص اجاره‌کننده‌ای که نسبت به وضعیت ملک بی‌اطلاع بوده، اگر قبلاً معاملات انجام داده، با وجود اینکه اکنون از وضعیت آن محل و مکان اطلاع دارد، معاملات قبلی اش اشکالی ندارد؛ ولی بعد از دانستن، باید اقدام به ترک آن مکان کند، بدون اینکه ضرر چشمگیری متوجهش شود؛ مثلاً اگر مدتی از اجاره‌اش باقی مانده است آن را کامل می‌کند، ولی دیگر با شخص غاصب، تمدید نمی‌کند. همچنین وی باید شخص غاصب و وضعیت آن مکان را به مردم معرفی کند تا نتواند آن را اجاره بدهد؛ و همه مردم با آن شخص غاصب باید همانند یک دزد و سارق و غاصب رفتار کنند تا در معامله با او و نیز اشخاص دیگر (مثل او) بازدارندگی ایجاد شود، و رفتار طیب و نیکو میان مردم گسترش یابد. تمام این‌ها مشروط بر این است که نسبت به غصبی بودن آن مکان قطع‌ویقین حاصل شود؛ وگرنه این فقط ادعایی به‌قصد حيله و فریب برای تهمت‌زدن به مالک و شهره‌کردن وی به‌عنوان یک غاصب خواهد بود.

پرسش ۱۱۵۳/ یکی از برادران انصار، باغ انگوری خریده است که از محصول آن باغ برای درست کردن شراب استفاده می‌شود. او در خصوص فروش محصول باغ به کارگاهی

که از آن برای تولید شراب استفاده می‌کند، سؤال کرده است؟

پاسخ: اگر وی می‌داند که آن کارگاه از آن محصول برای تولید شراب استفاده می‌کند، فروختن انگور به کارگاه شراب‌سازی مجاز نیست.

پرسش ۱۱۵۴ / در شرکتی در ایران کار می‌کنم و کارم ترجمه برای تاجران عراقی است. یکی از تاجران چیزی از من می‌خواهد که جزو قوانین ما نیست. به من گفته است که در دیگر شرکت‌ها جست‌وجو کن و اگر شرکت دیگری را پیدا کردی اجرتی به تو می‌دهم. من شرکت دیگری با قیمتی معین پیدا کردم. آیا می‌توانم به قیمت آن شرکت اضافه کنم و مبلغ اضافه را برای خودم بردارم؟ بسیاری از مترجمان در این عرصه به همین صورت دلالی می‌کنند.

پاسخ: اشکال ندارد؛ تا موقعی که سود، محدود و مورد قبول بازار باشد.

پرسش ۱۱۵۵ / قبل از اینکه به این دعوت مبارک ایمان بیاورم قطعه‌زمینی داشتم و آن را به نیت امام حسین علیه السلام هدیه کردم و الان بعد از ایمان آوردن به این دعوت حق، آیا می‌توانم این قطعه‌زمین را بفروشم و پول آن را صرف بنای حسینیه برای این دعوت مبارک کنم؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۱۵۶ / حسینیه‌ای در استان میسان دارم. آیا می‌توانم آن را بفروشم و با پولش حسینیه‌ای در کربلا بخرم؟

پاسخ: جایز است.

احکام مربوط به سنت‌های عشایر و دیما

پرسش ۱۱۵۷ / داوری‌های سنتی عشایری اگر مورد رضایت هر دو طرف باشد چه حکمی دارد؟

پاسخ: تا وقتی که ظلمی به یکی از دو طرف نشود اشکالی ندارد؛ و به‌طور معمول با رضایت و مصالحه هر دو طرف، اشکالی به وجود نمی‌آید.

پرسش ۱۱۵۸ / شخصی که خودرویی دارد به‌صورت داوطلبانه و از سر خیرخواهی شخص دیگری را به محل کارش می‌برد که در راه تصادف می‌کنند و این تصادف منجر به فوت همان شخصی می‌شود که صاحب خودرو او را به سر کارش می‌برده است. در عرف عشایری، در این حالت، شخص صاحب خودرو، مسئول است و باید به خانواده شخص فوت‌شده مبلغی بدهد. آیا این صحیح است؟ و آیا اصل این نیست که چیزی بر عهده او نباشد، چون او احسان و بخشایش کرده است؛ چراکه به‌صورت داوطلبانه و به نیت ثواب آن کار را انجام داده است؟

پاسخ: چیزی بر ذمه راننده نیست، مگر اینکه مقصربودنش ثابت شود (مثل تجاوز از سرعت مجاز در مسیر).

پرسش ۱۱۵۹ / کارگری به‌عنوان روزمزد در خانه شخصی کار می‌کرده که از بالای پشت‌بام منزل او یا از بالای داربست افتاده است. آیا جبران این حادثه یا پرداخت دیه بر عهده صاحب‌خانه است؟

پاسخ: چیزی بر ذمه‌اش نیست، مگر اینکه در تأمین امنیت و سلامت (کارگر) کوتاهی کرده باشد.

پرسش ۱۶۰ / شخصی یک مرغداری دارد که دور آن را کانالی کشیده و خاک‌ریزی هم درست کرده است. بعداً این کانال با آب پر شده که البته صاحب مرغداری این کار را نکرده، بلکه به این دلیل بوده که نزدیکی این مرغداری، منطقه‌ای مسکونی هست و پساب آن منطقه مسکونی روان شده و به داخل خندق ریخته شده است. یکی از کودکان همین منطقه مسکونی داخل این خندق غرق شده و آن‌ها دیه آن را از مالک این مرغداری مطالبه کرده‌اند. آیا از نظر شرعی وی باید دیه را پرداخت کند؟ و اگر باید چنین کند، آیا قتل عمد محسوب می‌شود یا غیرعمد؟

پاسخ: قسمتی از مسئولیت را باید به عهده بگیرد؛ البته اگر در اجرای موارد ایمنی کوتاهی کرده باشد.

پرسش ۱۶۱ / جوان ۱۴ ساله‌ای، هم‌سن خودش را در اثر مشاجره با ضربه چاقو به قتل رسانده است. آیا باید دیه قتل عمد پرداخت شود؟ و مبلغی که خانواده مقتول می‌توانند از او درخواست کنند چقدر است؟ و گاهی اوقات پرداخت دیه و فیصله‌دادن قضیه در میان عشایر مشروط است به کوتاه‌آمدن از اعدام قاتل؛ آیا صرف‌نظرکردن از اعدام وی جایز است؟

پاسخ: باید دیه را بپردازد و مسئله صرف‌نظرکردن (از اعدام) به رضایت ولی دم بستگی دارد.

پرسش ۱۶۲ / شخصی ناراحتی قلبی داشته و با ماشین رانندگی می‌کرده است که شخص دیگری می‌آید و با ماشینش با او تصادف می‌کند. قوانین راهنمایی‌وراندگی علیه شخص بیمار بوده است و بعد از سه روز آن شخص مریض فوت می‌کند. خانواده وی از صاحب خودرو که به بیمار زده، می‌خواهند به دادگاه بروند و به این صورت توافق می‌کنند که هرکسی تأخیر کند دیگر حقی نخواهد داشت. خانواده شخص فوت‌شده تأخیر می‌کنند و سپس بعد از مدتی خواستار فیصله‌دادن از طریق عشایری یا پرداخت دیه می‌شوند. آن‌ها

چه حقی دارند؟ آیا مستحق گرفتن دیه قتل عمد هستند؟ یا دیه غیرعمد؟ یا اصلاً حقی ندارند؟ یا با پرداخت مبلغی مصالحه‌ای صورت بگیرد؟ آیا در چنین موضوعاتی می‌توان به مقررات راهنمایی‌وراندگی اعتماد کرد؟ و آیا شخصی که [طبق این قوانین] مقصر است مثلاً دیه یا چیز دیگری بر ذمه‌اش است؟ امیدوارم قاعده‌ای را در خصوص موضوعات از این دست بیان بفرمایید.

پاسخ: اگر ثابت شود مقصر یکی از دو طرف بوده و ثابت شود که وفات به سبب همین حادثه گفته شده است، قتل غیرعمد محسوب می‌شود و باید یا دیه پرداخت شود یا هر دو طرف رضایت بدهند؛ اما در خصوص کروکی و مقررات عبورومرور، در چنین مسائلی فقط به اندازه یک «قرینه» اعتبار دارد و نه بیشتر، و نمی‌توان به صورت صددرصد به آن تکیه کرد و حتماً باید قرائن و شواهد دیگری نیز در نظر گرفته شوند.

اما در صورتی که شخص مٌتوقفاً صددرصد مقصر باشد، نه قتل غیرعمد محسوب می‌شود و نه دیه‌ای واجب می‌شود.

در هر حال مصالحه و رضایت بهتر از دشمنی و انتقام است؛ به خصوص وقتی که شخصی فوت می‌شود.

پرسش ۱۶۳ / گاهی شخصی در محلی کشته و جسدش به مکانی دیگر منتقل و جلوی خانه‌های مردم انداخته می‌شود و کسانی که شخص کشته شده را جلوی خانه‌های آن‌ها می‌بینند مطالبه حق می‌کنند. به این نوع داور، حکم «ثنيه» گفته می‌شود؛ یعنی وجود مقتول جلوی خانه‌ها، برای آن‌ها مسئولیت‌بار است. راه حل شرعی برای چنین حالت‌هایی چیست؟

پاسخ: تا وقتی مرتکب قتل نشده‌اند هیچ مسئولیت شرعی ندارند.

پرسش ۱۶۴ / بعضی‌ها با قصد حفاظت به دور باغ یا مزرعه‌شان یا جاهای دیگر سیم

خاردار می‌کشند و شب‌ها به این سیم‌های خاردار، برق متصل می‌کنند و بعضی از حیوانات، مثل گوسفند و گاو که متعلق به ساکنان آن منطقه هستند کشته می‌شوند، و چه بسا منجر به کشته‌شدن بعضی از انسان‌ها هم بشوند. آیا صاحب سیم‌های خاردار در برابر این حوادث مسئولیت شرعی دارد و باید مبالغی را در عوض کشته‌شدن حیواناتی که مرده‌اند یا حتی انسانی که به این سبب کشته شده است، پرداخت کند؟

پاسخ: مسئولیت کارش را بر عهده می‌گیرد؛ زیرا این کار مخالف اقدامات ایمنی سلامت است و او زندگی انسان‌ها و حیوانات را در معرض خطر قرار داده است.

پرسش ۱۶۵/ عده‌ای از دوستانم به شنا رفته بودند. یکی از آن‌ها غرق شد و مرد، و همه آن‌ها متهم به قتل، و وادار به پرداخت دیه، یا حل‌وفصل عشایری شده‌اند. آیا آن‌ها شرعاً ملزم به آن هستند؟

پاسخ: تا زمانی که از آن‌ها کوتاهی صورت نگرفته باشد که باعث غرق‌شدن آن شخص شده باشد مسئولیتی بر عهده‌شان نیست.

پرسش ۱۶۶/ اگر حیوانی که متعلق به یک نفر است باعث کشته‌شدن یکی از افراد عشیره بشود، چه احکامی بر این مسئله مترتب است؟

پاسخ: در صورت ثابت‌شدن کوتاهی از طرف مالک، دیه قتل غیرعمد را می‌پردازد؛ اما اگر کوتاهی وی ثابت نشود باید قبل از صدور حکم، در اسباب و عوامل دقت شود؛ و چه بسا حل‌وفصل عشایری و عرفی میان مالک و خانواده شخص مقتول، بتواند در مثل چنین موضوعاتی، به‌عنوان یک راه‌حل خوب در نظر گرفته شود، به‌خصوص با وجود رضایت و طیب‌خاطر از هر دو طرف.

پرسش ۱۶۷/ ماجرای را می‌خواهم برای شما نقل کنم تا خدای نکرده کاری خلاف رضای خداوند عزوجل انجام نداده باشیم. خواهر مؤمنی دارم که شوهرش مؤمن نیست و چهار فرزند دارد. او خودش را به‌سبب آزار و اذیت شوهرش سوزانده است؛ زیرا شوهرش

رفتار بسیار خشنی با وی داشته، به طوری که آثار ضرب و شتم بر بدن او هویدا است؛ علاوه بر اینکه به او دشنام می‌داده و حرف‌های زشت و توهین‌آمیز می‌زده است. تقریباً در سه روز آخر مانده به فوت وی، آزار و اذیت شوهر او زیاد شده بود تا آنجا که او را از وارد شدن به اتاق خودش و رفتن به آشپزخانه و خوابیدن در خارج از اتاقش منع می‌کرده است و... و حتی مانع دیدار و ارتباط گرفتن وی با خانواده‌اش می‌شده تا آنجا که وی کنترلش را از دست داده و خودسوزی کرده است. با توجه به اینکه وی تمام این موضوعات را قبل از فوتش روی تخت بیمارستان گفته و قبل از فوتش به مدت سیزده روز در بیمارستان بستری بوده است و این گفته‌ها نیز توسط بازپرس دادگاه ثبت و ضبط شده است؛ در حال حاضر حکم دستگیری شوهر صادر شده و او فراری است. خانواده شوهر، نزدیک یک ماه از خانواده زن فرصت گرفته‌اند و بعد از آن جلسه‌ی عشایری برگزار خواهد شد، و بنده پاسخ چند مسئله را در این خصوص از شما درخواست دارم:

۱. آیا جایز است شوهر، زندانی شود؟ زیرا او کسی بوده که زن را وادار به خودکشی کرده است.

۲. آیا جایز است شورای حل و فصل عشایری مبلغ ۲۰ تا ۳۰ میلیون دینار دریافت کند؟ و این در حال حاضر همان مبلغی است که تقریباً در میان عشایر، عرف است.

در حال حاضر آن‌ها گفته‌اند شما از شکایتان صرف نظر کنید و ما هم سه روز دیگر در جلسه‌ای، مسئله شما را حل و فصل می‌کنیم. شما چه سفارشی برای ما دارید، ای آقای ما!

پاسخ: زندانی کردن شوهر و مجازات او جایز است، اگر سبب آزار و اذیت همسرش شده باشد؛ به صورتی که او را وادار به خودکشی کرده باشد. همچنین پذیرفتن رأی و نظر شورای حل و فصل عشایری مثل گرفتن دیه برای زن جایز است، به شرط اینکه ثابت شود

او مسبب خودکشی وی بوده است.

اما مسئلهٔ صرف‌نظرکردن از شکایت و سپردن قضیه به رأی و نظر عشائری، این به خانوادهٔ زن برمی‌گردد و اگر قرار شد از شکایت صرف‌نظر کنند بهتر است ابتدا تضمینی برای حقوقشان وجود داشته باشد.

پرسش ۱۶۸ / مؤمن در برابر موقعیت‌های انسانی که سر راهش قرار می‌گیرند چه وظیفه‌ای دارد؟ به عنوان مثال وقتی شخصی به کسی برخورد می‌کند که دچار حادثه‌ای شده است و هیچ کس دیگری هم نیست که او را به بیمارستان برساند، تکلیف او چیست؟ زیرا مردم از مسائل قانونی، واهمه دارند و چه بسا شخصی را که اقدام به مساعدتِ شخصِ حادثه‌دیده کرده است متهم می‌کنند. این پدیده‌ای است که به‌خصوص در عراق، معروف است و بسیاری از مردم به‌موجب چنین کارهایی تا به پایان‌رسیدن تحقیقات، زندانی شده‌اند. مؤمن در برابر چنین اتفاقاتی چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا کسی که به‌دلیل ترس از مسائل قانونی کمک نمی‌کند گناهکار است؟

پاسخ: یاری‌رساندن به انسانی که به کمک فوری نیاز دارد بر کل جامعه، واجب کفایی است و اگر هیچ‌کسی برای کمک به «او» پیش‌قدم نشود، یا شخص حادثه‌دیده را به بیمارستان منتقل نکنند همهٔ آن کسانی که شاهد حادثه بوده‌اند و هیچ‌کمی نکرده‌اند مرتکب گناه شده‌اند.

پرسش ۱۶۹ / سرقت از خانه‌های مردم و مغازه‌ها در این چندوقت اخیر زیاد شده است. آیا صاحب‌خانه یا شخصی دیگر، می‌تواند سارق را در حین دزدی، به‌دلیل دفاع از خودش یا به‌جهت محافظت از دارایی‌اش به قتل برساند؟

پاسخ: دفاع از خود به مقدار ضرورت خواهد بود؛ مثلاً در صورتی که بتواند با ضرباتی مانع وی بشود به همین مقدار بسنده کند.

پرسش ۱۷۰ / کسی که حادثهٔ مشخصی را دیده، یا شاهد جرم قتل بوده است، و قاتل

یا شخص حمله‌کننده را می‌بیند ولی شخص دیگری به اشتباه دستگیر شده است یا موضوعاتی از این دست، حکم آن چیست؟ چه بسا این اشتباه موجب شود شخص دیگری به ناحق به زندان بیفتد یا مجازات شود. آیا برای کسی که شاهد و ناظر آن جرم بوده، شهادت‌دادن واجب است؛ با توجه به اینکه او می‌داند که غیر از او هیچ‌کس دیگری شاهد آن حادثه‌ای که اتفاق افتاده نبوده است. اگر او شهادت ندهد حکمش چیست؟ با توجه به اینکه چه بسا شهادت وی موجب رهایی متهم بشود و شاهد از طرف قاتل واقعی در معرض خطر قرار بگیرد!

پاسخ: در این حالتی که گفته شد، به جهت دفع ظلم و احقاق حق، شهادت‌دادن واجب است.

شنیدن غنا و آلات موسیقی

پرسش ۱۷۱ / من در یکی از کشورهای اروپایی سکونت دارم و در یک سالن آرایش کار می‌کنم. صاحب این سالن به غناهای خارجی (غربی) و موسیقی گوش می‌دهد. آیا استماع این موسیقی حرام است؟

پاسخ: اگر منظور شما فقط شنیدن باشد -طبق وضعیتی که توصیف می‌کنی- هیچ اشکالی ندارد و ماندن شما در چنین مکانی حرام نیست.

پرسش ۱۷۲ / دربارهٔ سرودها و آوازهای کودکان که در یوتیوب یا برنامه‌های تلویزیونی پخش می‌شوند و غالباً همراه با موسیقی، و بعضاً پر سروصدا هستند، سؤال دارم. گوش دادن به این موسیقی‌ها برای بچه‌ها یا اهالی خانه چه حکمی دارد؟ و سرودهای آموزشی (مثل آموزش حروف الفبا و اعداد یا آموزش برخی نکات اخلاقی یا رفتارهای صحیح و معقول) و سرودهایی که فقط برای سرگرمی بچه‌هاست چه حکمی دارند؟ و در نهایت اگر گوش دادن به این نوع موسیقی‌ها جایز نیست پس ما و بچه‌ها که در این دنیا مجبور هستیم این نوع موسیقی‌ها را در مدرسه گوش کنند، چگونه رفتار کنیم؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۷۳ / آلات موسیقی مانند پیانو، ساز و طبل، فلوت و... چه حکمی دارند؟ آیا اینها به‌خودی‌خود حرام هستند؟ یا مثل قضیهٔ مربوط به طبل‌های جنگی، به نوع استفاده بستگی دارد؟ آیا جزئیات بیشتری در این خصوص وجود دارد؟

پاسخ: به‌طور کلی مسئلهٔ موسیقی و آلات موسیقی، جزئیات مفصلی دارند که اکنون وقتش نرسیده، و اگر عمری باقی ماند و خداوند خواست در وقت خودش بیان خواهیم کرد.

پرسش ۱۷۴ / شخصی قبل از ایمان آوردن به این دعوت مبارک، آلات موسیقی داشته است. آیا او می‌تواند آن‌ها را به کسی که استفاده از آن‌ها را مجاز می‌داند بفروشد؟

پاسخ: خریدن آن‌ها و نگه‌داشتنشان جایز است.

پرسش ۱۷۵ / شخصی در فروشگاه ابزار موسیقی کار می‌کند. آیا می‌تواند به کارش ادامه بدهد؟

پاسخ: جایز است.

نصیحت‌های عمومی

پرسش ۱۷۶ / آقای من، یمانی آل محمد علیهم‌السلام! گاهی اوقات در اثر بعضی از کارهایی که ما انجام می‌دهیم اتفاقی می‌افتد که می‌گوییم خدا این‌طور خواست یا به‌قول عراقی‌ها «خدا هیچش کرد»؛ با وجود اینکه گاهی اوقات ما خودمان را، یا ابزار و ادوات لازم را برای آن مسئله آماده نکرده بوده‌ایم. حال آیا با وجود اینکه شرایط لازم و درست را آماده نکرده‌ایم این درست است که بگوییم خداوند این‌طور خواسته است؟ آیا خواست خدا در چنین موضوعاتی، دخالت دارد؟ از خداوند سبحان می‌خواهم که به‌زودی شما را تمکین عطا فرماید، و در برابر خداوند و شما به خاطر همه‌چیز عذرخواهم.

پاسخ: هرکس می‌خواهد کاری انجام بدهد باید شرایط آن را نیز فراهم کند؛ یعنی آیا این عاقلانه است که شخصی که می‌داند برای نماز صبح بیدار نمی‌شود مگر اینکه ساعت زنگ‌داری نزدیک سرش بگذارد و او این کار را ترک می‌کند، همین‌که نماز صبحش قضا شود بگوید این خواست خدا بود که [نماز] فوت بشود؟! قطعاً پاسخ، منفی است ای عزیز من، خدا نخواست هیچش کند، این تو بودی که خواستی هیچش کنی.

از خداوند خیر دنیا و آخرت را برای شما مسئلت دارم.

پرسش ۱۷۷ / یک سؤال: هروقت می‌خواهم کاری انجام بدهم درها به رویم بسته می‌شود و نمی‌دانم علت چیست! تا همین حالا که خواسته‌ام به کاری اقدام کنم و فکر می‌کردم انجام می‌شود، به در بسته خورده‌ام. آیا راه‌حلی وجود دارد؟ خداوند رحمتتان کند!

پاسخ: به خداوند سبحان تمسک بجو، به او تقرب پیدا کن و همواره قلبت را به ذکر او مشغول بدار و اگر (خداوند) حاجت تو را به تأخیر یا به جلو انداخت، او را متهم نکن؛ چه بسا تأخیری که برای تو ایجاد می‌کند برایت خیر و خوبی باشد؛ زیرا او سبحان به سرانجام

امور آگاه است.

به غار خدا پناه ببر و به او سبحان تحصن بجوی. اگر درب یا درب‌هایی به‌رویت بسته شد (خداوند را) متهم نکن؛ قطعاً یک روز و در بهترین حالت، برایت گشوده خواهد شد. در آن هنگام خواهی فهمید که بسته‌شدن این درب‌ها تو را به خیر دنیا و آخرت سوق داده است.

پیوسته نماز شب بخوان و دعا کن که خداوند به‌زودی درب‌های خیر و برکت را به‌رویت باز می‌کند؛ ان‌شاءالله.

مسائل متفرقه

پرسش ۱۷۸ / شخصی چیزی را که روی زمین پیدا کرده است برمی‌دارد و اگر بعد از یک روز یا دو روز، بنا به دلایل مشخصی مثل سخت بودن شناسایی آن یا به هر دلیل دیگری، بخواهد آن را سر جایش برگرداند، حکمش چیست؟ آیا جایز است آن را به همان مکان که بوده است برگرداند؟

پاسخ: به نوع آن شیء گمشده و ارزش آن و جایی که در آن یافت شده است بستگی دارد؛ و به‌طور کلی بهتر است آن شیء را به دست شخص امینی بسپارد که طبق شرع می‌تواند در آن دخل و تصرف کند.

پرسش ۱۷۹ / آیا وفا به نذری که در عالم رؤیا دیده شود، در عالم دنیا واجب است؟

پاسخ: واجب نیست.

پرسش ۱۸۰ / شخصی صندوقی به نیت ثواب امام حسین علیه السلام دارد و در تنگنای مالی قرار گرفته است. آیا جایز است که مثلاً به‌عنوان قرض یا برای رفع نیازی، از آن صندوق برداشت کند؟

پاسخ: اگر به‌عنوان هدایی باشد جایز است، یا به‌گونه‌ای باشد که از آن، هدیه‌بودن برداشت شود.

پرسش ۱۸۱ / یکی از انصار در شوستر متولّی مقبره‌ای منسوب به یکی از اولاد پیامبر خدا یعقوب علیه السلام است و همه چیزهایی که در حرم موجود است و نذورات و هدایایی که برای بنای آن مقام تقدیم آنجا می‌شود تحت تصرف اوست.

او سؤالی دارد: گاهی اوقات می‌توانم مبالغی را از موجودی حرم برداشت کنم. آیا جایز است آن (مبالغ را) به بیت‌المال دعوت مبارک تحویل بدهم؟

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۸۲ / آیا معلم یا مدرس می‌تواند در امتحانات نهایی یا امتحانات دیگر قسمتی یا بعضی از پاسخ‌سؤالات را به بعضی از دانش‌آموزان برساند؟ و آیا این کار در حلال یا حرام بودن حقوقی که دریافت کرده است تأثیر دارد؟ خداوند شما را برای همه جهانیان به‌عنوان معلم و هدایتگر و پدری رحیم و دلسوز مستدام بدارد.

پاسخ: جایز نیست این کار را انجام بدهد و فقط مجاز است طبق قوانین مؤسسه آموزشی که در آن کار می‌کند رفتار نماید.

پرسش ۱۸۳ / استاد دانشگاهی که متخصص زبان عربی است، آیا می‌تواند بر پژوهش‌هایی که از نظر زبان‌شناسی یا دلالتی روی قرآن انجام می‌شود، نظارت داشته باشد؛ در حالی که نتایج این تحقیقات غالباً با تفسیرهای محمد و آل محمد علیهم السلام مطابقت ندارد؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۸۴ / دستگاهی برای خردکردن کاغذ به قطعات بسیار کوچک وجود دارد و کارگران از این دستگاه‌ها برای خردکردن کاغذ استفاده می‌کنند. حکم خردکردن کاغذهایی که روی آن‌ها آیات قرآن و اسماء متبرک اهل بیت علیهم السلام و احادیث آن‌ها نوشته شده است، چیست؟

پاسخ: خردکردنشان به‌منظور خلاصی از آن‌ها اشکالی ندارد.

پرسش ۱۸۵ / ما خارج از عراق اقامت داریم و در استرالیا با محدودیت‌هایی زندگی می‌کنیم. پسر بزرگم ازدواج کرده و سه فرزند دارد و به‌دلیل مشکلات زناشویی که در طول این چند سال متحمل شده است، تصمیم گرفته به عراق سفر کند و در آنجا ساکن شود.

او توانست به‌همراه یکی از فرزندانش که هفت‌ساله است با من به عراق بیاید. ما اکنون به‌دنبال گرفتن تابعیت عراقی برای این کودک هستیم، ولی به‌دلیل نبود مادرش در عراق و نبودن عقد ازدواج قانونی وضعیت برایمان پیچیده شده است.

من می‌توانم به اعتبار اینکه پدر بزرگش یعنی پدر پدرش هستم شناسنامه او را به‌نام خودم ثبت کنم، ولی برای انجام این کار به دو شاهد نیاز دارم که قسم بخورند این کودک فرزند من است. آیا این کار شرعاً جایز است؟

پرسش من درباره شرعی بودن این قسم است؛ آیا جایز است آن دو نفر قسم بخورند که نوه پسر من، فرزند من است تا در شناسنامه‌اش ثبت شود که او فرزند من است تا به این ترتیب مشکل تابعیت عراقی‌اش حل شود؟

پاسخ: جایز نیست.

پرسش ۱۱۸۶ / فرزندم در تظاهرات اخیر در میدان التحریر کشته شده است و الان آن‌ها با من تماس می‌گیرند تا حقوقش را دریافت کنم؛ در حالی که من در کار خودم متحیرم؛ زیرا در درون خودم غم و اندوه بسیاری احساس می‌کنم و می‌ترسم این پول را بگیرم و با آن آرام شوم و اندوهم را فراموش کنم. این‌ها به‌سادگی تمام فرزندان ما را می‌کشند و با مستی پول ما را آرام می‌کنند. از یک‌سو من به‌هیچ‌وجه این را نمی‌خواهم، و از سوی دیگر نزدیکانم به من ناسزا می‌گویند که تو با ضایع کردن حقوق خانواده‌ات، در حق آن‌ها ظلم کرده‌ای. حکم شرعی چیست؟ و شما چه راهنمایی‌هایی به من عنایت می‌فرمایید؟

پاسخ: در خصوص حقوق و موضوعات شبیه به آن، این‌ها اموال عمومی است و اموال این افراد ستمگر نیست؛ پس می‌توانی آن را دریافت کنی.

پرسش ۱۱۸۷ / مولای من، آیا جوانان معترضی که در تظاهرات به قتل رسیده‌اند، شهید هستند؟

پاسخ: بله؛ قطعاً نهادن نام شهید به معنای عرفی رایج، بر کسانی که مظلومانه برای مطالبه حقوقشان کشته شده‌اند، اشکالی ندارد.

پرسش ۱۸۸ / آقای من، از شما پوشیده نیست که شهر تلعفر به مدت ده سال قبل از سقوطش به دست داعش در سال ۲۰۱۴ چه مصیبت‌هایی دید و بعد از گذشت سه سال از آوارگی ما، شهر آزاد شد و ما انصار آواره تلعفر در حیرت و سرگردانی هستیم که آیا به سرزمین خودمان بازگردیم یا نه؟

با توجه به اینکه همان‌طور که سرور ما می‌داند، موقعیت جغرافیایی تلعفر مثل جزیره‌ای است که توسط ارهابی‌ها و هواداران‌شان احاطه شده است و ما طبق تجربه می‌دانیم که بعد از برگشتن هواداران‌شان، آن‌ها بار دیگر ظاهر خواهند شد؛ این علاوه بر آن است که تأمین امنیت مرزها نیز دشوار است، و نیز به دلیل وجود جریان‌های گُرد مرتبط با کردهای سوریه و ترکیه در «سنجار»، وضع سیاسی و امنیتی، بسیار پیچیده و بغرنج شده است. از سید و پدرمان - که خداوند حفظش فرماید - خواهشمندیم تفضلی فرموده و ما را نصیحتی بفرمایند یا نظری بدهند یا دستوری بفرمایند تا برگردیم یا همین‌جا بمانیم، تا امرمان بر ما روشن شود. با تشکر و سپاس فراوان از شما.

پاسخ: برگشتن مؤمنان به تلعفر و به زمین‌هایشان و خانه‌هایشان، ضروری است، و بد نیست بعضی از مؤمنان در زمان‌هایی به تلعفر سری بزنند و اوضاع را بررسی کنند که چه وقت برای بازگشت مناسب‌تر و بهتر است. از خداوند مسئلت دارم که شما را ثابت‌قدم بدارد و هر بدی و شرّی را از شما دور فرماید و یاری‌تان کند، یاری‌کردنی پیروزمندانه.

پرسش ۱۸۹ / بعد از آزادی تلعفر از حکومت ظالمانه داعش، روشن شد که آن‌ها اموال و دارایی‌های شیعه را به غارت برده و آن‌ها را در تملک حکومت تکفیری خودشان درآورده بودند، و الان انبارهایی از قسمتی از این دارایی‌ها در جاهای مختلف یافت شده‌اند؛

به طوری که در یک محله، انبارهایی از فرش‌ها و در محل دیگری انبارهایی برای اثاث و لوازم، و در محله دیگر انبارهای لوازم برقی و... به همین ترتیب یافت شده‌اند.

پرسش اینجاست: برداشتن اموال مورد نیاز از این انبارهایی که هیچ نگهبانی ندارند چه حکمی دارد؟ این انبارها در دسترس همه قرار دارند و بعضی از آن‌ها در ادارات دولتی قرار دارند و اعلام کرده‌اند که اگر خانواده‌هایی که به تعفر برگشته‌اند، آن‌ها را بازپس بگیرند به زودی این اموال و اجناس را از اداره بیرون می‌ریزند.

پاسخ: از آنجا که اسباب و لوازم شما قبلاً غارت شده است، برداشتن مایحتاجتان از این اموال جایز است.

پرسش ۱۹۰ / آیا آویختن و استفاده از حرزهایی که دچار بعضی اشکالات و تحریف‌هایی شده‌اند و اعتقاد به آن‌ها جایز است؟ همچنین آیا استفاده کردن از چیزهایی که در بعضی از کتاب‌های مشهور مثل «تحفة الرضویه» و دیگر کتاب‌هایی که اشکالات ریاضی و اشکالاتی دیگر دارند صحیح است؟ آیا اعتقاد به آن‌ها، نوشتن، حمل کردن و آویختنشان جایز است؟

پاسخ: نوشتن آیه‌الکرسی و «معوذات» [چهار قل] با زعفران، ان شاء الله حرز کافی است.

پرسش ۱۹۱ / آیا احضار ارواح مؤمن یا غیرمؤمن جایز است؟ و آیا باورداشتن به اخباری که با استفاده از چنین اعمالی نقل می‌شود به آن صورتی که مدعیان ادعا می‌کنند صحیح است؟

پاسخ: احضار جن کار سختی نیست، ولی خطراتی دارد. بسیاری از انسان‌ها هستند که کار را انجام می‌دهند؛ تا آنجا که آن‌ها خودشان جن را لمس می‌کنند و از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند.

تصدیق اخبار جتّیان ممکن نیست؛ زیرا شما از وضعیت او و از ایمان و راست‌گویی‌اش

آگاهی نداری تا گفتارش را تصدیق کنی؛ حال اگر در میان آن‌ها کافر یا منافق باشد وضعیت چگونه خواهد بود. دروغ‌گویی، ابزار و وسیله‌ای برای اوست تا آنچه را می‌خواهد محقق کند. بعضی از اجته‌ همانند کودکان رفتارهایی بدون هیچ هدف منطقی از خود نشان می‌دهند و آن‌ها در محیط شما حضور دارند و به مجرد اینکه شخصی درخواست احضار جن کند دور او جمع می‌شوند و به ندایش پاسخ می‌گویند و به خاطر تسلای خاطر خودشان، او را ملعبه دست خودشان کرده، تمسخرش می‌کنند.

س ۱۹۲ / آیا ما که انصار امام مهدی علیه السلام هستیم مجاز به دریافت شهریه حوزه از مراجع هستیم؟ با توجه به اینکه این کار مستلزم آن است که قبلاً اسامی ما در دفترهایشان ثبت شود؟

پاسخ: جایز است.

پرسش ۱۹۳ / آیا تقویم هجری صحیح است؟ یا با اشکالاتی آمیخته شده است؟

در بعضی از سایت‌ها مطالبی نوشته شده است که بیان می‌کنند تقویم هجری اشکالاتی دارد؛ به این جهت که کسی که تقویم هجری را وضع کرد عمر بن خطاب بوده است.

پاسخ: تقویم عربی قمری در اصل تقویم عبرانی یا یهودی بوده که خودش تقویم قمری شمسی بوده است، و فقط قمری به همین صورتی که الان به آن عمل می‌شود نبوده است.

پرسش ۱۹۴ / یکی از شاگردان بعد از اینکه گفتم ما الان در فصل پاییز هستیم از من پرسید: پس چرا روی تخته‌سیاه، تاریخ را ربیع‌الاول نوشتی؟ زنگ کلاس فرصت نجاتی به من داد؛ زیرا متحیر بودم که چه پاسخی به او بدهم.

مطلب زیر را نیز یکی از اساتید گران‌قدر در صفحه شخصی‌اش نوشته و می‌گوید: ما با بسیاری از این پرسش‌ها روبه‌رو می‌شویم و پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این بچه‌ها نیافته‌ایم. پاسخ مناسب در این خصوص چیست؟ زیرا این موضوعی است که به دین اسلام بازمی‌گردد.

پاسخ: این [مسئله] به تاریخ هجری قمری بازمی‌گردد، که یک سیستم تاریخ‌نگاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را وضع نکرده تا [گفته شود] برگرفته از دین اسلام بوده است؛ بلکه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تاریخ‌نگاری بر اساس همان تقویم عبری قمری شمسی بود که عرب از یهود گرفته بود، و برحسب این تاریخ‌نگاری در بسیاری از کشورها هیچ اشکالی در مطابقت داشتن ماه ربیع با ربیع حقیقی به وجود نمی‌آید؛ زیرا در این تاریخ‌نگاری این کمبود، به سال قمری اضافه می‌شود تا با سال شمسی منطبق شود.

پرسش ۱۹۵ / تورات و انجیل و قرآن - قطع نظر از تحریف شدن آن‌ها - چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

پاسخ: تورات و انجیل صحیح، جزئی از قرآن هستند؛ پس قرآن، مهیمن بر آن‌هاست.

پرسش ۱۹۶ / چند پرسش دارم و امیدوارم پاسخ بدهید:

۱. آیا مباحله، فقط به امام معصوم اختصاص دارد؟ اگر مخالفین دعوت مبارک از مؤمنان درخواست مباحله کنند آیا مؤمنان مجاز هستند اجابت کنند؟ زیرا آن‌ها (مخالفین) بارها درخواست مباحله کرده‌اند و اگر ما اجابت نکنیم ادعا می‌کنند بر حق هستند؛ زیرا این کار (مباحله میان غیرمؤمنان) بعضاً در شهر من انجام می‌شود.

۲. اگر مباحله انجام شود آیا مخالفان فوراً هلاک می‌شوند؟ یا فرصتی برای توبه خواهند داشت؟

پاسخ: مباحله میان دو طرف برای نازل شدن لعنت بر دروغ‌گوی افترازننده است؛

بنابراین لازم است هر دو طرف مباحله، به روشنی تمام عقیده طرف دیگر را بشناسد؛ اما عقوبت (عذاب) بر آن طرف افترازننده دروغگو نازل می‌شود و چه بسا اگر هر دو دروغگو باشند بر هر دو نازل شود. ضرورتی ندارد که عقوبت به صورت آنی یا در همان لحظه مباحله نازل شود.

پرسش ۱۹۷ / آقای من، چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت نائل شد؟

پاسخ: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که مسموم بود از دنیا رفت.

پرسش ۱۹۸ / مولای من، درباره ازدواج خانم فاطمه زهرا با امام علی صلوات پروردگام بر آنها باد...

طبق چیزی که از بچگی شنیده‌ام خانم فاطمه زهرا علیها السلام به سبب ضرب و شتم عمر در سن ۱۸ سالگی از دنیا رفته، و در عین حال مادر ۳ فرزند بوده‌اند؟

پاسخ: اینکه عمر آن حضرت هنگام شهادتش ۱۸ سال بوده است صحیح نیست.

پرسش ۱۹۹ / آیا ازدواج سید ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله با عایشه، در حالی که او ۹ سال داشته است، ازدواج با دختر کم سن و سال محسوب نمی‌شود؟

پاسخ: [رسول خدا صلی الله علیه و آله] عایشه را با ین سن و سال (نه سالگی) به عقد خود درنیاورده؛ بلکه عایشه مسن تر بوده است.

گفت‌وگو در خصوص احکام ربا درباره وام‌ها و معاملات

این مطالب مجموعه‌ای از پاسخ‌های فقهی در خصوص ربا - چه ربای در وام‌ها، و چه ربای در معاملات - طبق روشنگری‌هایی است که سید احمد الحسن علیه السلام در پاسخ به پرسش‌هایی که در محضر ایشان ضمن گفت‌وگویی که با ایشان انجام شده، مطرح فرموده است.

س / سلام علیکم و رحمة الله و برکاته، از خداوند مسئلت دارم که در خیر و عافیت باشید.

پاسخ: علیکم السلام و رحمت الله و برکاته، سپاس و ستایش تنها از آن خداست. خداوند شما را زنده بدارد.

س / شکی نیست که دین به‌شکلی روشن و با تأکید فراوان، از ربا نهی کرده است. آیا می‌توانیم حدود شرعی ربا را بشناسیم؟

پاسخ: حدود ربا عبارت است از:

۱. معامله میان دو مؤمن باشد؛

۲. معامله از نوع قرض (وام) باشد؛

۳. مدت بازپرداخت به‌همراه بهره‌ای نسبت به ارزش وام مشخص باشد.

س / منظور شما از «ارزش وام» چیست؟ آیا ممکن است با مثالی توضیح بفرمایید؟

پاسخ: ارزش، یعنی به نسبت ارزش فعلی آن.

یعنی مثلاً: اگر شخصی در سال ۱۹۸۰م. یک میلیون دینار به شما قرض بدهد شما این حق این را نداری که قرض وی را در سال ۲۰۱۸م به همان مقدار یک میلیون دینار

بازگردانی؛ زیرا ارزش پول به مقدار زیاد و قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده و شما باید ارزش تخمینی [فعلی] آن را بازگردانی؛ مثلاً ارزش یک میلیون دینار در این مثال ما، در حال حاضر معادل سه میلیون دینار عراقی است و به این ترتیب این مقدار اضافی، ربا محسوب نمی‌شود؛ زیرا هیچ بهره واقعی به دست نیامده و فقط ارزش یک میلیون دینار عراقی در سال ۱۹۸۰ معادل سه میلیون دینار الان بوده است.

س / شما در خصوص معامله ربوی درباره وام‌ها پاسخی داده‌اید که ابتدا متن آن پرسش و پاسخ را نقل و سپس سؤال خودم را مطرح می‌کنم:

«**س /** در خصوص وام کارمندی که بعضی از بانک‌های عراقی به کارمندان می‌دهند و مبلغ وام ۱۰ میلیون دینار با سود ۹٪ است. آیا گرفتن این وام جایز است؟»

و آیا این [حکمی که می‌فرمایید] یک حکم عمومی برای تمام حکومت‌هایی است که با عنوان حکومت اسلامی شناخته می‌شوند؟ یا ما طبق همان حکم قبلی در خصوص ربوی بودن این وام‌ها عمل کنیم؟ و آیا مثلاً در جایز بودن دریافت وام از بعضی از حکومت‌ها استثنایی وجود دارد؟

پاسخ: جایز است.»

و پرسش / آیا این مطلب، یعنی گرفتن وام‌های بهره‌دار از بانک‌های اسلامی جایز است و به طور کلی خواستار توضیح درباره معاملات ربوی در خصوص وام‌ها هستیم؛ و آیا هر وامی که با بهره باشد، وام ربوی شمرده می‌شود؟

پاسخ: معامله ربوی، در هر حالتی حرام است؛ به این معنی که شخص مؤمنی که ربا می‌گیرد مرتکب حرام می‌شود و عملی غیرشرعی انجام داده است؛ اما شخصی که ناچار به گرفتن این وام است، گرفتن وام ربوی برای او اشکال ندارد تا هنگامی که او ناچار [به گرفتن] این [وام] بوده و راه حل دیگری نداشته است.

این در خصوص حالتی است که وام، ربوی بوده باشد.

اما در خصوص حالتی که وام، بهره داشته باشد ولی بهره‌اش کم باشد و بانک آن بهره را دریافت کند تا به‌عنوان مثال [صندوق] وام را مدیریت کند، در این صورت چنین وامی اصلاً ربوی برشمرده نمی‌شود.

همچنین شما می‌دانی که ربا میان مؤمن و غیرمؤمن وجود ندارد و تا وقتی که طرف دیگر مؤمن نباشد، مؤمن می‌تواند وارد هر معامله ربوی شود.

س/ در خصوص این بهره کم مجاز: چه کسی صلاحیت دارد این نسبت را تعیین کند؟ و چگونه این مقدار تعیین می‌شود؟

پاسخ: این نسبت توسط حکومت عادل تعیین می‌شود؛ که باید ضمن حدود شرعی تعیین شود که امام وضع می‌کند؛ به‌صورتی که مقصود از آن دریافت بهره و کسب درآمد برای بانک نباشد.

به‌طور کلی هرگونه بهره‌ای که معادل (یا بیشتر از) درآمد احتمالی به‌قصد دریافت درآمذزایی باشد، دارای سود ربوی است.

این قانون کلی است که به امام این امکان را می‌دهد که با استفاده از آن و با درنظرداشتن داده‌های اقتصادی دیگر، این بهره قابل‌قبول را در دولت عادل یا در بانک‌های این دولت تعیین کند؛ به‌طوری که برای مدیریت وام و تداوم کار بانک و نه فقط به‌قصد درآمذزایی با هزینه فرسوده کردن وام‌گیرنده سودمند باشد.

س/ شکی نیست که کمک کردن به دیگران ولو با قرض دادن به آن‌ها هنگام نیازمندی، کاری است که از نظر دینی، پسندیده و مطلوب است. حال اگر وام‌دهنده به‌عنوان یک کار پسندیده به‌طور داوطلبانه و از طرف خودش مبلغی اضافه بر مقدار درخواست وام‌گیرنده بخواهد به‌عنوان هدیه به او تخصیص بدهد (با فرض باقی ماندن ارزش وام طبق بازار آزاد، کما اینکه همین طور است)، آیا این کار جایز است؟

پاسخ: هدیه اشکال ندارد.

س / به مسئله وام باز می‌گردیم؛ زیرا محل ابتلای بسیاری از مردم در روزگار ما است. سؤالی دارم: وام‌دهنده (چه یک شخص باشد و چه یک بانک) «سود» برایش اهمیت بسیار دارد - دست‌کم وضعیت بیشتر وام‌دهندگان این چنین است - و در غیر این صورت، اموال وام‌دهنده را کد باقی خواهد ماند. آیا راه شرعی وجود دارد که مجوز دریافت این بهره را صادر کند؛ مثل تأمین حقوق کارمندان، یا اجاره‌بهای آن محل (محل بانک یا مؤسسه)، یا موضوعاتی از این دست؟

پاسخ: پیش‌تر به شما گفتم: بهره‌ای که برای اداره صندوق وام گرفته می‌شود، اشکالی ندارد.

ولی باید این سود و بهره به‌طور دقیق مشخص شود تا آسیبی متوجه وام‌گیرنده نشود. و برای اینکه این کار در دولت عادل، شرعی و صحیح باشد لازم است قانونی طبق حدودی که امام تعیین می‌کند و قسمت‌هایی از آن را برای شما توضیح دادم، پیاده شود؛ اینکه این سود یا بهره نباید مساوی یا بیشتر از بهره‌ای باشد که از درآمدزایی آن مبلغ در بازار کار به دست می‌آید؛ یعنی حتماً باید کمتر از آن باشد؛ به‌علاوه ضوابط دیگری که امام وضع می‌کند. این ضوابط طبیعتاً در خصوص مؤسسات مالی (مثل بانک‌ها، بیت‌المال‌ها، یا صندوق‌های اعتباری) کاربرد دارد، نه مسائل شخصی.

س / در خصوص مسئله جواز گرفتن سود از وام‌گیرنده، که باید مقدارش کم باشد: آیا وام‌های دریافت‌شده از افراد را نیز شامل می‌شود؟

پاسخ: خیر، وقتی شخصی می‌خواهد وام بدهد از نظر شرعی به‌صورتی متفاوت با بانک یا با صندوق اعتباری رفتار می‌کند. بانک‌ها و صندوق‌های اعتباری به‌طور معمول جزو اموال عمومی محسوب می‌شوند یا دست‌کم جزو اموال تعدادی زیادی از مردم جامعه هستند نه اموال خصوصی، و به‌طور معمول طبق قوانین تجارت فعالیت می‌کنند؛

اما یک شخص، ضوابط یا مقرراتی ندارد که در خصوص اموالش حکم کند؛ به همین دلیل وام‌دادن توسط یک فرد، دارای قیدوبندهای بیشتری است.

وجود بهره در وام فردی میان دو مؤمن، معمولاً از نوع معامله ربوی است؛

و به‌طور کلی تعریفی که پیش‌تر ارائه شد در خصوص وام دادن فردی، صدق می‌کند: «وام + بهره از ارزش [وام] = ربا».

س / از نظر اهل سنت مشهور است که: «هر وامی که سود داشته باشد رباست». آیا این گفته صحیح است؟

پاسخ: خیر، هر سودی ربا نیست؛ چه بسا سودی، مباح و قابل قبول باشد؛ ولی در حالتی که سود و بهره، سودی صریح از مقدار ارزش باشد، بله رباست؛ یعنی مثلاً وام می‌دهد با این شرط که پسرش را در کارگاهش به کار بگیرد، این اشکالی ندارد؛ زیرا فرزند او در برابر مزدش کار خواهد کرد؛ چه بسا در اینجا سود و منفعتی وجود داشته باشد ولی این بهره، از نوع ارزش و قیمتی بالاتر از وام نیست؛ یعنی وام‌گیرنده در نهایت مبلغ را برمی‌گرداند و چیزی بیش از آن را بر نمی‌گرداند؛ پس ربایی در کار نیست.

س / بعد از اینکه دانستیم دریافت بهره از ارزش وام، یکی از ارکان ربا در وام‌هاست، آیا شرط است که بهره از نوع همان وام بوده باشد [تا ربا محسوب شود]؟ و آیا وضعیت وام‌های کالایی در مقایسه با وام‌های پولی تفاوت دارد؟

پاسخ: ضرورتاً از جنس خود قرض نیست؛ مهم این است که بهره‌ای اضافه بر ارزش وام بوده باشد، و هر سود یا بهره‌ای که به‌سبب وام تحقق پیدا می‌کند ربا نیست.

اگر (شخصی) پولی به کسی قرض بدهد و او را مجبور کند که پول را به‌همراه چیزی اضافه به او بازگرداند، ربا می‌شود، چه این اضافه، از نوع پول بوده باشد و چه کالایی عینی که ارزشی داشته باشد.

همچنین: تحقق ربا در کالا بسیار سخت است؛ یعنی مثلاً اگر گندم به او قرض بدهد و گندم به او برگرداند ولی از دو نوع مختلف، در اینجا ربا نیست مگر اینکه مقدار سود، واضح و قابل توجه بوده باشد.

یعنی مثلاً یک تُن گندم به او قرض بدهد و از او بخواهد سه تن گندم به او برگرداند؛ با دانستن این نکته که چنین اختلاف قیمتی میان هیچ کدام از انواع گندم‌ها وجود ندارد و تفاوت به این صورت است مثلاً ارزش یک تُن گندم درجهٔ یک معادل ارزش یک‌ونیم تن گندم درجهٔ دو است.

س / بحث وام‌ها را فعلاً رها می‌کنیم و چه بسا اگر پرسش‌های در این خصوص پیش بیاید و شما هم فرصت پاسخ‌گویی داشته باشید به این مسئله باز خواهیم گشت. به مسئلهٔ مهم دیگری می‌پردازیم که محل ابتلای بسیاری از مردم در این زمانه شده است؛ یعنی مسئلهٔ خرید و فروش اقساطی؛ و پرسش: آیا فروش اقساطی، ضمن بندهای معاملهٔ ربوی حرام جای می‌گیرد؟ یا شرط‌های معینی در این خصوص وجود دارد که زمینهٔ جایز بودن آن را فراهم می‌کند؟

به‌خصوص اینکه پیش‌تر پاسخی داده شده که برداشت‌های مختلفی از آن به عمل آمده است. متن پرسش و پاسخ را برای شما می‌خوانم:

«**س /** بسیاری از مؤمنان به‌سبب وضعیت مادی ضعیفی که دارند مجبورند کالاهای برقی ضروری و کالاهای دیگر را برای منزل خود به‌صورت اقساطی خریداری کنند و به‌دلیل اقساطی بودن، کالا با قیمت بیشتری خریداری می‌شود. چه راه‌حلی برای چنین مسئله‌ای وجود دارد؟»

پاسخ: این کار اشکال ندارد، تا زمانی که سود به‌دست‌آمده از طریق اقساط، در محدودهٔ سود در آن شهر، بوده باشد.»

پاسخ: سود اضافه‌ای که از بالاترین حد سود افزوده در بازار آن شهر بیشتر

نشود.

یعنی فرض می‌کنیم بازار کار در یک شهر مشخص، به‌طور معمول سود ۱۰ تا ۳۰ درصد را برای تاجر فراهم می‌کند؛ بنابراین سود اضافه‌شده نباید از بالاترین حد سود (یعنی ۳۰ درصد) تجاوز کند.

در مثالی که بیان شد منظور از سود اضافه، سود کلی اضافه‌ای است که بر قیمت اصلی کالا اضافه شده است؛ یعنی همان قیمتی که تاجر برای به‌دست‌آوردن آن کالا پرداخت کرده است.

آیا این توضیح کافی است؟

س / بله، و آیا می‌توان فقط یک نسبت مشخص را [برای سود مجاز] برای تمام شهرها در نظر گرفت؟

پاسخ: نسبت سودی که فرد عامل به دست می‌آورد (تاجر، کارخانه‌دار، پزشک و...) از یک شهر تا شهری دیگر با توجه به وضعیت اقتصادی آن شهر، متفاوت است.

س / خواهشمندیم توضیح بیشتری در خصوص وضعیت فروشنده یک کالا با دو قیمت ارائه بدهید: قیمت فروش نقدی، و دیگری قیمت فروش اقساطی. آیا این کار جایز است؟

پاسخ: باید یک «قیمت کلی» برای فروش نقدی، و یک «قیمت قسطی» هم برای فروش اقساطی در نظر گرفته شود.

و به‌طور کلی اگر مطابق با قوانینی که پیش‌تر برای شما وضع کردم عمل شود، اینکه دو قیمت یکی برای فروش نقدی، و یکی هم برای فروش اقساطی در نظر گرفته شود اشکالی به وجود نمی‌آید. طبیعتاً این قاعده، هم فروشنده و هم خریدار را شامل می‌شود؛ [به این ترتیب] اشکالی در عملکرد هیچ‌کدام وجود ندارد.

س / در آخرین پرسش، [ابتدا] پرسش و پاسخ قبلی که در خصوص فروش اقساطی بوده است را برای شما نقل می‌کنم:

«فروش مدت‌دار همراه با افزایش قیمت کالا، ربا محسوب می‌شود؛ ولی سؤال من: چه کسی قیمت کالا را معین می‌کند؟ زیرا برخی می‌گویند من کالای خود را تمام‌قسط می‌فروشم ولی قیمتش بیشتر از قیمت بازار است. پرسش من این است که معیار افزایش قیمت کالای قسطی چیست؟ آیا معیار، قیمت کالا در بازار است یا مالک کالا خودش هرطور خواست قیمت را تعیین می‌کند؟»

پاسخ: کسی که قیمت کالا را تعیین می‌کند صاحب تجارت‌خانه است؛ یعنی اگر بگوید: این کالا را به‌صورت نقدی با این قیمت می‌فروشم و به‌صورت مدت‌دار با قیمت بالاتر می‌فروشم ربا محسوب می‌شود، ولی زیادبودن قیمت نسبت به بازار ملاک نیست؛ چراکه تجار برای کالا، قیمت‌های مختلفی را نسبت به وضعیت هرکدام از آن‌ها تعیین می‌کنند؛ به‌علاوه اگر قیمت کالا بیش از اندازه زیاد باشد نیز اشکال دارد.»

و پرسش / از عبارت: «یعنی اگر بگوید: این کالا را به‌صورت نقدی با این قیمت می‌فروشم و به‌صورت مدت‌دار با قیمت بالاتر می‌فروشم ربا محسوب می‌شود» این‌طور استنباط می‌شود که فروش اقساطی، در صورت تجاوزنکردن سود از حد بالایی سود در بازار شهر، جایز است؛ کما اینکه دانستیم این (مسئله) در این حکم «ناسخ» است و به‌طور کلی درخواست داریم دربارهٔ مسئلهٔ «نسخ» -ولو به اختصار- توضیح بفرمایید.

پاسخ: یعنی اینکه حکم شرعی که در آینده مطرح می‌کنم با حکم پیشین در تعارض باشد و ناسخ آن حکم (قبلی) محسوب می‌شود و باید به حکم آخر عمل شود. همچنین اگر امام حکمی را وضع کند، این حکم، ناسخ حکم امام قبلی شمرده می‌شود، اگر این دو حکم با یکدیگر در تعارض بوده باشند.

این یک قاعدهٔ کلی است که امام شما آن را در تمام حالت‌ها وضع کرده است و شما

در حال یادگیری یا هر چیز دیگری هستید.

این قاعده همچنین بر احکام ائمه پیشین (علیهم‌السلام) نیز منطبق می‌شود؛ مثلاً: در تعارض میان حکم امام رضا و امام صادق جای هیچ بحثی نیست در حالی که هر دو حکم ثابت شده هستند؛ حکم امام رضا، نسخ کننده حکم امام صادق (علیه‌السلام) است.

برای نسخ، اسباب و علل بسیاری وجود دارد؛ ولی هر وقت که در زمان حیات خلیفه خداوند باشد به‌طور معمول سبب این نسخ، «پذیرنده» یا «مردم» هستند؛ زیرا آن‌ها مرتکب کارهای نادرست زیادی می‌شوند و احکام شرعی را سبک می‌شمارند پس [خلیفه خداوند آن حکم را] تا مدت‌زمانی ترک می‌کند.

مثلاً در خصوص «عده» در قرآن، قرآن حکم احناف قبلی را تا مدتی برای آن‌ها جاری کرده است؛ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنكُم وَاذَرُوا أَزْوَاجًا وَصِيَّةً مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ﴾^۱ (و کسانی از شما که بمیرند و زنانی بر جای بگذارند، باید درباره زنان خود وصیت کنند که هزینه آن‌ها را به مدت یک سال بدهند و از خانه بیرونشان نکنند).

سپس حکم نسخ این آیه در این فرمایش حق تعالی می‌آید: ﴿وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مِنكُم وَاذَرُوا أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَزْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾^۲ (و کسانی که از شما بمیرند و زنانی بر جای بگذارند [آن زنان] باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند).

همچنین در خصوص قبله: [خداوند] اراده فرمود که قبله، امتحانی برای آن‌ها باشد؛ پس قبله را در جهتی تعیین فرمود و در زمانی دیگر، در جهتی دیگر تعیین فرمود و ...

به‌طور کلی در خصوص این دعوت اگر ابتدای کتاب «شرايع» را خوانده باشی گفته‌ام که احکام ذکر شده، برای مدت محدودی مناسب هستند: «تا آنچه را که گفته می‌شود و

۱. بقره، ۲۴۰.

۲. بقره، ۲۳۴.

اهلش موجود و زمانش رسیده است بیان کنم، و آنچه را که وقتش نرسیده به وقت خودش موکول کنم.»

از خداوند مسئلت داریم امور را آسان فرماید برای بیان آنچه اراده او سبحان است.

این آخرین عناوین از پرسش‌های فقهی و پاسخشان بود که بنده تا آخر شب بیست‌ونهم ماه شوال سال ۱۴۴۱ق^۱ به پایان رساندم.

والحمد لله اولاً و آخراً

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوندی است که اول است و آخر.